

دوری از صحبت جاهلان

دلا خردمندی و هوشیار	مکن صحبت جاهلان اختیار
ز جاهل گریزنده چون تیرباش	نیایمخته و چون شکر شیر باش
ترا ازدهاگر بود یار غار	از آن به که جاهل بود غمگسار
اگر خصم جان تو عاقل بود	به از دوست داری که جاهل بود
چو جاهل کسی در جهان خواریست	که نادان ترا از جاهلی کاریست
ز جاهل نیاید جز افعال بد	وزو نشود کس جز اقوال بد
سرانجام جاهل جهنم بود	که جاهل نیکو عاقبت کم بود
سر جاهلان بر سر دار به	که جاهل به خواری گرفتار به
ز جاهل حذر کردن اولی بود	کز و ننگ دنیا و عقبی بود

خردمند - هوشیار	افعال - جمع فعل، عمل	اولی - بهتر
جاهل - نادان	اقوال - جمع قول، سخن	عقبی - آخرت
به - بهتر، خوب	جهنم - دوزخ	
خصم - دشمن	حذر کردن - کناره گیری	

فعالیت های بعد از درس :

مشق و تکرار : شاگردان صف به دوگروه تقسیم گردیده یک گروه شاگردان بیت بیت بخواند و گروه دیگر معنی کند و معلم در عین حال با آنها کمک نماید .

سوالات برای ارزیابی :

- ۱- با کدام کان دوستی نکنیم ؟
- ۲- دوست نادان بهتر است یا دشمن دانا ؟
- ۳- نتیجه کار جاهل چه است ؟
- ۴- از جاهل چه اولی می باشد ؟
- ۵- جاهل در دنیا و آخرت چه موقف و مرتبه دارد ؟

فعالیت گروهی : نواقص جاهل چیست ؟ در مورد دگروه های تان بحث نموده و نتیجه بحث را نماینده گروه به دیگران بیان دارد .
کار خانگی : شعرا بدقت بخوانید مفهوم آن را به الفاظ ساده دکتابچه های تان بنویسید .

حضرت سلمان فارسی^(رضی)

آوردہ اند کہ سلمان فارسیؓ در یکی از شہر ہا امیر بود عادت او در وقت امارت و حکومت تغیر نکر دہ بود گلیم می پوشید ، پیادہ راہ می رفت و احتیاجات خانہ خود را خودش تہیہ می کرد . روزی مردی سبدی خریدہ بر سر نہادہ بود شخصی را می خواست کہ آنرا بہ خانہ اش ببرد ناگاہ سلمان فارسیؓ آنجا رسید آن شخص حضرت سلمانؓ را شناخت سبد را بہ وی داد تا بہ خانہ اش برساند . در راہ مردی پیشروی وی آمد و گفت : ای امیر این بار را بہ کجای میبری . صاحب سبد دانست کہ او امیر است ، آن شخص دست و پای او را بوسیدن گرفت و عفو خواست . سلمانؓ عذر او را قبول کرد و او را ہیچ نگفت و بار را بہ خانہ او رسانید و گفت : من بہ عہد خود وفا کردم حالا تو عہد کن کہ دیگر کسی را بہ بیگاری و کاری را کہ توانش داشتہ باشی خود اجرا کن زیرا کہ بہ کمال تو نقصان نمی رسد .

کمال - مرتبہ و درجہ

عفو - بخشش

امارت - فرمانروائی

فعالیت های بعد از درس :
مشق و تکرار : شاگردان درس را قرائت نمایند و یک نفر شاگرد
داوطلب خلاص حکایت را بیان دارد.

سوالات برای ارزیابی :

- ۱- سلمان فارسی چه وظیفه داشت ؟
- ۲- سلمان فارسی در وقت امارت خود چه کار کرد ؟
- ۳- سلمان فارسی از شخصی که او را به بیگانه گرفته بود چه عهد گرفت ؟
- ۴- از حکایت فوق چه نتیجه گرفتید ؟

فعالیت گروهی : دانش سلمان فارسی در وقت امارتش از نظر شما
خوب بود یا نه ، درین مورد در گروه های تان بحث نمائید و دلایل آنرا
بگوئید و در آخر نماینده گروه دلایل گروه را بیان دارد .

کار خانگی : به نظر شما امیر باید چه صفات داشته باشد آنرا در کتابچه
های تان بنویسید .

بلبل و باز

روزی بلبل به باز گفت: من که حال خود را با حال تو مقایسه می‌کنم به حال خود گریه ام میگیرد، زیرا همه مردم ترا قدر می‌کنند اشخاص عادی چه که حتی پادشاهان ترا بر دستان خود می‌نشانند و از جای به جای دیگر می‌برند، در حالیکه حرف زده نمی‌توانی و آواز دلکش نداری.

ولی من با وجود آواز خوب و اینکه سرود خوب می‌خوانم روزها ماه‌ها و حتی سالها در زندان قفس محبوسم.

باز به او گفت: آیا میدانی که چرا مردم مرا قدر می‌کنند؟
بلبل گفت: نمی‌دانم.

باز گفت: علت آن این است که من به مردم شکار می‌کنم ولی هیچ حرف نمی‌زنم و تو بسیار پر می‌گویی ولی هیچ کاری نمی‌کنی.
پس ما باید کار زیاد کنیم و حرف کم بزنیم زیرا از حرف زیاد سودی بدست نمی‌آید.

دل ز پر گفتن بمیرد در بدن
گرچه گفتارش بود در عدن

فعالیت های بعد از درس :
مشق و تکرار : شاگردان درس را قرائت نموده و یک نفر شاگرد داوطلب
خلص حکایت را بیان دارد .

سوالات برای ارزیابی :

- ۱- بلبل به باز چه گفت ؟
- ۲- بلبل چه شکایت داشت ؟
- ۳- باز چه دلائل در مقابل گفت ؟
- ۴- پس باید ما و شما چه کنیم ؟

فعالیت گروهی : معلم درس را قسم اعلا به شاگردان بخواند و آنها بنویسند
و بعد اعضای گروه نوشته های یک دیگر را اصلاح نمایند و معلم آنها را نظارت
نماید .

کار خانگی : یک حکایت نو پیدا نموده و در کتبچه های تان بنویسید .

حکایت

موترا در کوتل ها آهسته آهسته بالامی رفت در کنار توده های سفید برف سبزه تازه سر کشیده بود . قله برف آلود سفید کوه در دادی سر بزر کشور نمود خاصی داشت .

همینکه موترا از گولائی های متعدد گذشت و به سینه فراخ کوتل رسید ناگهان کودکی در کنار سرک نمودار شد ، به حیرت افتادم که دور از آبادی ها ، کودکی درین جا چه می کند . وقتی موترا نزدیک او رسید از راننده خواہش کردم که بایستد . همینکه موترا توقف کرد کودک نیز بر جایش ایستاد و بر تیشہ اش تکیہ زد بہ او سلام کردم و پرسیدم . بچہ جان چه می کنی ؟

گفت : سرک را جور می کنم .

پرسیدم : تو چرا این قسمت سرک را جور می کنی ؟

گفت : برادرم مسافر است و پدرم در آن طرف تپہ قلبہ میکند .

پرسیدم : آیا تو این کار مشکل را کرده می توانی ؟

گفت : چرانی . می بینید کہ از صبح تا حال چند جای سرک را جور کرده

ام از کنار سرک سنگ و گل را می‌کنم و به چغری های سرک می‌اندازم
تا موتر به آسانی عبور کند.

گفتم: آیا در بدل این کار به تو پول می‌دهند.

گفت: نی، رواج مانیت که پول بگیرم. قوم ما سنگ مانده اند
که هر کس سرک نزدیک خانه و زمین خود را جور کند و پول نگیرد.

گفتم: اگر ما به تو پول بدیم می‌گیری؟

گفت: نی، هرگز نی، شرم است و خلاف رواج مردم ماست
ما این خدمت را خاص برای رضای خدا (ج) و وطن خود می‌کنیم.

گفتم: اگر ما از تو خواهش کنیم پول می‌گیری.

گفت: نی، پدرم قهر می‌شود. باز شرم است که مردم قریه ما

بگویند عبدالله بچه یوسف از موتر پیسه گرفت، من که همین قدر کار
برای وطن خود کرده می‌توانم، چرا نکنم.

وقتی این حرف را زد با دستان کوچکش تیشه خود را برداشت

فراخ - کلان

قله - بلندترین نقطه کوه

توقف - ایستاد

متعدد - زیاد

و به کندن زمین شروع کرد و ما در حیرت تمام به راه خود در حرکت
افتادیم .

پس ملتی که کودکانش با چنین عزم راسخ روزهای دشوار را
سپری نمایند هرگز نمی میرد .

خدا آن ملتی را سروری داد	که تقدیرش بدست خویش بنوشت
به آن ملت سروکاری ندارد	که دهقانش برای دیگران کشت

« اقبال »

تقدیر - سرنوشت

جبهه - میدان جنگ

رواج - رسم و عادت

سنگ مانده - عهد و پیمان بسته

حیرت - حیران

عزم - قصد

راسخ - متین

دشوار - سخت

فعالیت های بعد از درس :

مشق و تکرار : پنج نفر شاگرد درس را قرائت نمایند و در آخر دو نفر شاگرد خلص حکایت را بیان دارد .

سوالات برای ارزیابی :

- ۱- پسرک چه میکرد ؟
- ۲- وی چرا اجوره نگرفت ؟
- ۳- چرا پدرش بالای او قهر می شد ؟
- ۴- فرزندان افغان چه صفات دارد ؟
- ۵- کدام ملت را خداوند راج، سروری میدهد ؟

فعالیت گروهی : از حکایت فوق چه نتیجه گرفتید بدین مورد درگروپ های تان بحث نموده نتیجه بحث را نماینده گروپ به دیگران بیان دارد .

کار خانگی : شما به خاطر چه درسی خوانید و علاوه بر آن خلص مطلب ابیات اخیر را در کتابچه های تان بنویسید .

مادر و گرگ

گویند گرگی به تلاش یافتن غذا از خانه خود بیرون شد . در جنگلی سرگردان می گشت . ناگاه نزدیک خانه چوب شکنی که در بین جنگل بنا شده بود رسید . در همین وقت آواز گریه طفل را شنید و به تعقیب آن آواز مادرش را شنید که به طفل خود می گفت :
 « خاموش شو و گرنه ترا بیرون می اندازم که طعمه گرگ شوی »
 گرگ از شنیدن این حرف تمام روز انتظار کشید که شاید مادر طفل خود را بیرون اندازد . وقتی شام شد دوباره آواز مادر طفل را شنید که به طفل خود می گفت : بسیار خوب شد که از گریه خاموش شدی حالا اگر گرگ بیاید او را خواهم کشت .

« گرگ از شنیدن این حرف مأیوس شده خسته و ذله باشکم گرسنه به خانه برگشت . وقتی خانمش از او پرسید چرا باشکم گرسنه برگشتی ؟ گرگ جواب داد : به سببی که من به وعده و گفتار ضعیف اعتماد کردم »

تلاش - کوشش	{	طعمه - خوردنی	{	خسته - مانده و ذله
بنا - آباد		مأیوس - ناامید		اعتماد - تکیه کردن ، باور

پنجریکه به خود نمی پسندی به دیگران روا مدار

احمد پیش ازینکه به مکتب برود طفل شوخ بود . به هر باغ و هر جایکه می رفت گلها را قطع کرده و با آن بازی میکرد . مادرش هر قدر به او نصیحت کرد تا ازین کار منصرف شود نصیحت مادر در گوشش کارگر نه افتاد و ازین عمل دست بردار نشد .
وقتیکه احمد به مکتب شال شد در آنجا ضرر قطع کردن گلها ، فایده غرس نهال ها و تربیه گلها را آموخت . او هم در خانه خود در یک گلدان بته گل قشنگ و زیبا را غرس نمود ، هر روز به آن آب میداد و به تربیه آن می پرداخت . بعد از چند روز یک گل قشنگ و زیبائی در گلدان نمایان شد .

احمد از دیدن گل زیبا خیلی خوش شد و دانست که گل چیست ؟ یک روز احمد وقت از خواب برخاست که گل زیبای گلدان را آب بدهد دید که گل را کسی کنده است . احمد غمگین شد و به مادر خود گفت : مادر جان ! کی گل زیبای مرا قطع کرده است ؟

مادرش گفت : شاید کسی گل ترا قطع کرده باشد که تو گلهایش را قطع میکردی . گل های مردم را قطع نکن تا گل های تو نیز سالم بمانند
احمد بعد ازین با خود وعده کرد که هیچ وقت گل های مردم را قطع نکند تا گل های خودش محفوظ بمانند .

فعالیت های بعد از درس :

مشق و تکرار : پنج نفر شاگرد درس را قرائت نماید و دو نفر شاگرد داوطلب قلم حکایت را بیان دارد .

سوالات برای ارزیابی :

۱- احمد پیش از مکتب رفتن چه عادت داشت ؟

۲- احمد در مکتب چه آموخت ؟

۳- کدام کس گل احمد را قطع کرده بود ؟

۴- مادرش به او چه گفت ؟

فعالیت گروهی : معلم درس را قسم اعلاء به شاگردان بخواند و آنها بنویسند و بعد اعفای گروه فرشته های یک دیگر را اصلاح نمایند .

کار خانگی : به نظر شما شاگردانیکه گلها و درختان مکتب را حفاظت نمی کنند چه قسم اشخاص اند . نظر تان را در کتابچه های تان بنویسید .

نتیجہ دروغ

چو پانی در کوھساری شبانی میکرد و در نزدیکی آن قریہ های پرنفوس وجود داشت ، یک روز چوپان تصمیم گرفت کہ مردم ده را فریب دھد فریاد زد کہ گرگ آمد ، گرگ آمد . مردم قریہ صدای او را شنید با چوب و تبر بطرف او دویدند ، دیدند کہ گرگ نیست از شبان پرسیدند گرگ کجاست ؟ شبان گفت پیش از آمدن شما سگ قوی پنجم من گرگ را مجبور بہ فرار کرد . شب دیگر باز بہ صدای بلند فریاد زد گرگ آمد ، گرگ آمد . باز مردم قریہ بہ کمک او شتافتند مگر از گرگ هیچ اثری نبود . مردم فهمیدند کہ شبان دروغ می گوید .

شب دیگر بہ راستی گرگ حملہ نمود ، شبان ہر قدر کہ فریاد نمود هیچکس بہ فریاد او جواب ندادہ و بہ کمک او نیامد و فکر نمودند کہ دروغ می گوید و گرگ گو سفندان متعدد را از بین برد .

فردا مردم قریہ چون حال شبان و گو سفندان را دیدند . شبان را ملامت نمودہ و گفتند اگر تو دروغ نمی گفتی بہ این حالت گرفتار نمی شدی شبان ازین کار خود نہایت پشیمان شدہ تصمیم گرفت تا در آیندہ دروغ نگوید .

فعالیت های بعد از درس :

مشق و تکرار : شاگردان درس را قرائت نمایند و یک نفر شاعر در آخر
خلص حکایت را بیان دارد .

سوالات برای ارزیابی :

۱- چوپان در کوه چاره میکرد ؟

۲- چوپان چرا فریاد می زد ؟

۳- مردم قریه چرا بالای چوپان بی اعتبار شدند ؟

۴- نتیجه آن دروغ و مکر چه شد ؟

فعالیت گروهی : راجع به بدی مکر و فریب در گروه های تان بحث نموده و
نتیجه بحث را نماینده گروه به دیگران بیان دارد .

کار خانگی : شما نیز همچو یک حکایت پیدا نموده و در کتابچه های تان
بنویسید .

مناجات

پادشاه جرم مارا درگذار	ماگنه گاریم ، تو آمرزگار
تونکوکاری و مابدکرده ایم	جرم بی اندازه بیحد کرده ایم
بی گنه نگذشت بر ماسعتی	باحضور دل نکردیم طاعتی
چشم دارم کز گنه پاکم کنی	پیش از آن کاندلحد خاکم کنی
اندر آندم کز بدن جانم بری	از جهان با نور ایمانم بری

« شیخ فریدالدین عطار »

مناجات - عرض نیاز به درگاه خدا^ج

جرم - گناه

آمرزگار - بخشنده

لحد - قبر

ARIC

R

6.421

MOE

2425 v. 7



طبع: مطبعه اكبر (ACBAR).

فعالیت های بعد از درس :

مشق و تکرار : شاگردان دو دفتر مقابل هم قرار گرفته یکی بخواند و دیگری معنی نماید و معلم در عین حال با آنها کمک نماید .

سوالات برای ارزیابی :

۱- از خداوند (ج) چه آرزو داشته باشیم ؟

۲- بنده چه نواقص دارد ؟

۳- خدایا پیش از مرگ با ما چه کن ؟

۴- در آخر از خداوند (ج) چه آرزو کنیم ؟

فعالیت گروهی : ما چرا به درگاه خداوند عرض و نیاز میکنیم ؟ درین مورد در گروه های تان بحث نموده و نتیجه بحث را نماینده گروه به دیگران بیان دارد .

کار خانگی : مناجات را به دقت بخوانید و مفهوم آن را به الفاظ ساده در کتابچه های تان بنویسید .

فعالیت های بعد از درس :

مشق و تکرار : معلم درس را قسم املا به شاگردان بخواند و شاگردان بنویسند و بعد معلم نوشته های آنها را اصلاح نماید .

سوالات برای ارزیابی :

۱- گرگ به کجی رفت ؟

۲- گرگ از مادر طفل چه شنید ؟

۳- وقت شام مادر به طفل خود چه گفت ؟

۴- گرگ به خانم خود چه گفت ؟

فعالیت گروهی : از حکایت فوق چه نتیجه گرفتید درگروپ های تان در مورد آن بحث نمایید و نماینده گروپ خلص نظریات اعضای گروپ را به دیگران بیان دارد .

کارخانگی : حکایت را به اعضای فایمیل تان بیان کنید و از آنها پرسید که فایده آن چیست ؟ جواب آنها را در کتبچه های تان بنویسید .

مشورت

مشوره کردن در کارها و مشکلاتی که برای انسان پیش می شود یک امر شرعی می باشد چنانچه خداوند در قرآن کریم به حضرت محمد هدایت داده است که: «در کارها با اصحاب و یاران خود مشورت بکن».

ازین هدایت خداوندی دانسته میشود که مشورت در کارها اهمیت زیاد دارد زیرا حضرت محمد با اینکه پیغمبر خدا و از جمله برگزیده ترین انسان بودند حق تعالی ایشان را به مشورت و مصلحت با یاران امر فرموده است.

مشوره در کارها فایده های زیاد دارد و کارهای که خود سرانه و بی مشورت انجام می شود عاقبت خوب نداشته ناقص و ناتمام می ماند.

کارهای که به مشورت اشخاص دانا و باتجربه صورت می گیرد

مشوره - مصلحت کردن تعالی - بلند و بزرگ
برگزیده - پسندیده

نواقص کم داشته و مورد قبول همه قرار میگیرد .
یک شخص به فکر کوتاه خود نمی تواند از تمام جوانب یک موضوع
آگاهی یابد . پس برای همه مسلمانان لازم است که در همه
امور حیاتی خویش با پیروی از قرآن کریم و احادیث حضرت محمد
با اشخاص عالم و دانا و مخلص مشوره نمایند .

فعالیت های بعد از درس :

مشق و تکرار : چهار نفر شاگرد درس را قرائت نمایند و بعداً سایر شاگردان راجع به مفهوم آن از آنها سوال نمایند .

سوالات برای ارزیابی :

- ۱- شورت چه فایده دارد ؟
- ۲- آیا پیغمبر با یاران خود شورت میکرد ؟
- ۳- با کدام اشخاص مشوره صورت بگیرد ؟
- ۴- کارهای خودسرانه چه فواقص دارد ؟
- ۵- اسلام در مورد شورت چه هدایت میدهد ؟

فعالیت گروهی :

در مورد فایده مشوره در گروه های تان بحث نموده و نتیجه بحث را نمایند
گروه به دیگران بیان دارد .
کار خانگی : از امام مسجد تان پرسید که خداوند کریم در کدام آیت ما را به مشوره کردن امر نموده آن آیت را با معنی آن بنویسید و هم آنرا حفظ نمایید .

بهار و دهقان

بهرنگام بهاران	که گل خندد به گلزار
جفاکش بابه دهقان	بدستش یوغ و سپار
بیایش نالی چوب	کمر بسته به دستار
رودسوی زمینش	زند بیل و کند کار
کند قلبه و مال	دهد گشت خود انبار
بکارد گندم و جو	جواری نیز بسیار
هم از شالی و پنبه	تخم ریزد به خسروار
کند خدمت به مردم	نباشد هیچ بیکار
توهم خود را تکان ده	الا ای طفل هوشیار
بیا بیرون به صحرا	ببین گشت و ببین کار
که هنگام بهاران	کند خورد و کلان کار

روان شو سوی مکتب

بدوق و شوق بسیار

جفاکش - زحمت کش
نالی - پاپوش چوبی

{ هنگام - وقت .
انبار - سرزمین چهار پایان و یا چیزهای دیگر که روی هم انباشته شده باشند .

فعالیت های بعد از درس :

مشق و تکرار : شاگردان دو دو نفر در برابر هم قرار گرفته یک شاگرد بخواند و شاگرد دیگر معنی کند و معلم با آنها کمک نماید .

سوالات برای ارزیابی :

۱- بابه دهقان در وقت بهر چه می کند ؟

۲- وسایل زراعتی را نام بگیرید ؟

۳- دهقان خدمت کی را میکند ؟

۴- پس شما چه وظیفه دارید ؟

فعالیت گروهی : درگروپ های تان راجع به وسایل زراعتی و طریقه استفاده از آنها بحث نموده ، نماینده گروپ خلاصه بحث را در پیشروی صف به دیگران بیان دارد .

کارخانگی : شعرا به دقت بخوانید و مفهوم آنها را به الفاظ ساده در کتایچه های تان بنویسید .

فایده اتحاد

پیر مرد سالخورده و جهانزیده که عمرش به آخر رسیده بود و از گرم و سرد روزگار تجربه ها آموخته بود ، فرزندان خود را طلب کرد و برای آنها گفت بروید هر کدام تان یکدانه خنجه بیاورید . فرزندان امر پدر را عملی نمودند و خنجه ها را آوردند . مرد پیر خنجه ها را بسته نمود و فرزندان خود را به شکستن آن امر کرد .

آنها چند آنکه قوت کردند شکسته نتوانستند به ضعیفی و عاجزی خود اقرار نمودند . پیر جهانزیده بسته را از آنها گرفت و خنجه ها را یکایک بر آورد و خورد کرد . آنگاه رو به فرزندان نمود و گفت : ای فرزندان دلبد ! بعد از مرگ من حال شما به همین قسم است ، اگر با هم دوستی و اتفاق کنید و یک دست و متحد باشید هیچ قوی پنجه نمی تواند شما را شکست بدهد و اگر دشمنی و اتفاق ورزید ، انسان های ضعیف از اتفاق شما استفاده خواهد نمود و شما را شکست خواهد داد .

دلبد - کسی را که واقعا دوست داشته باشیم .

قوی پنجه - قوی دست .

سالخورده - پیر

جهانزیده - جهان گشت و با تجربه

فعالیت های بعد از درس :

مشق و تکرار : چهار نفر شاگرد درس را قرائت نمایند و بعداً همان چهار نفر به ترتیب از سایر شاگردان راجع به مفهوم آن سوال نمایند .
سوالات برای ارزیابی :

۱- پیرسالخورده چه کرد ؟

۲- هدف پیر از این عمل چه بود ؟

۳- پیر پسران خود را چه نصیحت کرد ؟

۴- دشمن چه وقت از عمل ما فایده می برد ؟

فعالیت گروهی : ۱- معلم درس را قسم املاء به شاگردان بخواند و آنها بنویسند و اعضای گروه فوشته یکدیگر را اصلاح نمایند و معلم در عین حال کار آنها را نظارت نماید .

۲- معلم باید بعد از قرائت درس چهار شاگرد را وظیفه بدهد که هر یک با خود یک

خنجر بیاورد و بعداً در پیش روی شاگردان آن را یکجای نموده به هر یک بدهد تا آنها را میدهند نمایند و بعداً معلم یک، یک را میدهند و نتیجه کار خود را به شاگردان بیان نماید تا درس جنبه عملی را با خود بگیرد .

کار خانگی : از موسیقی فایل تان راجع به اتحاد پرسید و جواب های او را در کتابچه های تان بنویسید .

ای نور دیدہ

ای نور دیدہ زحمت دھقان ندیدہئی
 نان تیار پختہ برای تومی رسد
 از شیر و ماست و دوغ ترا عیش و عشرت است
 شوربا، کباب و قورمه کن نوش جان خود
 بالای فرش پنبہ و قالین و ہم گلم
 در صحن خانہ همچو غزالان بعیش و ناز
 هستی تو فارغ از غم آل و عیال وزن
 خدمت ز والدین بکن جان دین سرا

در بیت خویش سفرہ بی نان ندیدہئی
 جان آسباب و مرکب و ہناب ندیدہئی
 افکوس ازین کہ زحمت چوپان ندیدہئی
 ایجان طلب پول ز قصابان ندیدہئی
 خاک زمین و ریگ بیابان ندیدہئی
 جان پد تو گردش دوران ندیدہئی
 ای جان من تو گر یہ طفلان ندیدہئی
 بنگر حقوق شان توبہ قرآن ندیدہئی

دستگیر فقیر و مسکین و بینوا

بنگر حقوق شان بخود ایجان ندیدہئی

دیدہ - چشم	مرکب - خر	غزالان - آہو برہہا
بیت - خانہ	انہاب - جوال	دوران - زمانہ
تغزہ - دسترخوان	عشرت - خوشی	بینوا - مسکین و بیچارہ

حمد

حمد گویم ذات پاکت را شب و روز ای خدا
می سزد مر ذات پاکت را یقین حمد و ثناء

کس نبود از تو مقدم ذات پاک تو قدیم
جمله را پیدا تو کردی میکنی آخر فاء

هستی تو معبود و موجود هم منزله از زوال
جز رضای تو نباشد هیچ شی مقصود ما

از زن و فرزند پاک هستی منزله زین صفات
و ز صفات خلق باشی تو منزله هم صفا

ذات پاک تو بود حی منزله از ممات
کرده بی و ز لطف خود ایمان بمایا تو عطا

جمله را کردی تو پیدا میکنی آخر هلاک
کی کسی را چاره گفتار چون و یا چرا

فیض محمد ذکر نام خدا شو نفس
حر زمان می گوئی یارب ربنا هم اصدنا

« فیض »

فعالیت های بعد از درس :

مشق و تکرار : شاگردان دو دو نفر در برابر هم قرار گرفته بیت بیت بخوانند و نفر طرف مقابل معنی نماید و معلم با آنها کمک کند.

سوالات برای ارزیابی :

- ۱- ای نور چشم تو چه چیزها را ندیده ای ؟
- ۲- تمام مشکلات را کدام کس حل می نماید ؟
- ۳- برای اینکه برای مقابله با مشکلات آماده شویم چه کنیم ؟
- ۴- با والدین چرایی می کنیم ؟
- ۵- با فقیر و مسکین چه کنیم ؟

فعالیت گروهی : راجع به حقوق والدین در گروه های تان بحث نموده و نتیجه بحث را نماینده گروه به دیگران بیان دارد.

کار خانگی : شعرا در خانه به برادران و خواهران تان بخوانید و عکس العمل آنها را در کتابچه های تان بنویسید.

از سخنان بزرگان

- ۱- غم و ناامیدی صفت مردم بیکاره میباشد.
حضرت علی (رض)
- ۲- هر که به مجلس داخل شود هیبتناک میباشد پس دخول را به
تحیه و سلام آغاز کنید.
ابن عباس (رض)
- ۳- خداوند تبارک و تعالی ترا آزاد آفریده است بکوش تا همچنان
که آزاد آفریده شده ای آزاد زندگی کنی.
امام شافعی (رح)
- ۴- شخص حمود همیشه در تشویش بوده راحت ندارد.
احنف ابن قیس (رض)
- ۵- انجام کارهای بزرگ افتخارآمیز است ولی رجز خوانی آنرا
باطل می کند.

سید جمال الدین افغانی

۶- فرومایه ترین انسانها کسی است که حیات خود را در نابودی
دیگران می جوید و پُرمایه ترین مردم کسی است که برای نجات
دیگران و لو یک نفر هم باشد خود را قربان می سازد.

سید جمال الدین فغانی

حسود - رشک برنده ، کینه جو پرمایه - با عزت ، مغید

رجز - خود ستایی -

تحیه - سلام دادن

فرومایه - پست

فعالیت های بعد از درس :

مشق و تکرار : هر یک از سخنان بزرگان را یک نفر شگرت بخواند و شگرت دیگر آزمون معنی نماید و در اخیر یک نفر شگرت درس را داوطلب طور کمال بخواند .

سوالات برای ارزیابی :

- ۱- انسان خود چرا تشویش می کند ؟
- ۲- صفت مردم بیکاره چیست ؟
- ۳- فرومایه ترین مردمان کدام کسان اند ؟
- ۴- کدام عمل انجام کارهای نیک را باطل می سازد ؟
- ۵- چه قسم زندگی کنیم ؟

فعالیت گروهی : شاگردان صفت را به شش گروه تقسیم نموده و به هر گروه یک فقره درسی وظیفه دهید تا آن را یاد نمایند و بعد نمایندۀ هر گروه در مظهر شاگردان تکرار نماید . صفات مردم بیکاره و نااهل از نظر شما چیست ، درین مورد در گروه های تان بحث نموده و نتیجه بحث را نمایندۀ گروه به دیگران بیان دارد .

کارخانگی : هر شاگرد دو حدیث پیغمبر را درباره حد و ناامیدی پیدا نموده و در کتابچه کلمات بزرسیه .

غزوه احد

کفار که بخاطر انتقام کشتگان خود در جنگ بدر لشکر بزرگی را که تعداد آنها به سه هزار مرد جنگی می رسید تحت قوماندهانی ابوسفیان آماده ساخت و غرض مقابله با مسلمانان طرف مدینه منوره حرکت نمودند و قتیکه حضرت محمد از موضوع اطلاع یافت مسلمانان را جمع نموده و تصمیم گرفتند که در دامنه کوه احد (که در نزدیکی مدینه منوره واقع است) به جنگ بپردازند.

قوای مسلمانان که تعدادشان به هفتصد نفر می رسید تحت قوماندهانی حضرت پیغمبر در دامنه کوه احد ترتیبات جنگ را گرفتند و به تعداد پنجاه نفر تیرانداز ماهر را به سرکردگی عبدالله بن جبره در بالای دره که در پهلوی کوه احد واقع بود و خطر حمله دشمن از آن طرف متصور بود موظف نمودند و برای شان گفتند اگر کامیاب شدیم و یا شکست خوردیم از اینجا حرکت نکنید.

در نیمه ماه شوال سال سوم هجری جنگ شروع شد و مجاهدین کامیاب شدند و به جمع آوری غنائم پرداختند. اشنای صیحه بالای

گرددن کوه و طیفه محافظت دره را به دوش داشتند دیدند که مسلمانان
 کامیاب شدند و جنگ خاتمه یافت ، بخاطر اینکه در جمع آوری
 غنایم حصه بگیرند چند تن از آنها با وجود ممانعت عبدالله بن جبیر
 پائین آمدند . عبدالله بن جبیر با یازده نفر به و طیفه خود باقی ماند .
 چون لشکریان ابوسفیان گردن کوه را خالی دیدند بالای آنها
 حمله نمودند و محافظین دره بعد از مقاومت زیاد به شهادت رسیدند
 و سپاهیان اسلام که از عقب خاطر جمع بودند ناگهان تحت هجوم
 دشمن قرار گرفتند .

جنگ نهایت سخت در گرفت و در نتیجه آن به تعداد هفتاد نفر از
 مسلمانان شهید شدند . حضرت حمزه کاکای پیغمبر نیز در حمله
 شهید بود . حضرت محمد ، نیز زخمی گردیده و دندان
 مبارک شان شهید شد .

ظاهراً هر گونه اسباب شکست مسلمانان به نظری آمد .
 در همین وقت وحی الهی به آنحضرت نازل گردید و فرمود :
 است مشوید و اندوهناک مباشید شما غالبید اگر ایمان
 دارید .

آن ندای الهی دل های شکسته مسلمانان را پیوند نمود و با
وجود خستگی زیاد دوباره بر مشرکان حمله ور شدند و کفار مقاومت
را از دست داده از میدان جنگ گریختند و کامیابی نصیب
مسلمانان گردید .

ندا - آواز ، صدا

انتقام - بد گرفتن

مقاومت - صبر و پایداری

موظف - وظیفه دار

هجوم - حمله

اندوهناک - غمگین

غالب - کامیاب

فعالیت های بعد از درس :

مشق و تکرار : پنج نفر شاگرد درس را قرائت نمایند و دو نفر شاگرد داوطلب خلص جریان غزوه را در پیشروی صف بیان دارد .

سوالات برای ارزیابی :

- ۱- غزوه احد چه وقت واقع شد ؟
- ۲- تعداد لشکریان مسلمین و کفار چند نفر بود ؟
- ۳- نتیجه جنگ چه شد ؟
- ۴- عبدالله بن جبرئیل در کجا و به چه ترتیب شهید شد ؟
- ۵- تعداد شهدای مسلمین چند نفر بود و از جمله آن نام کی را گرفته می توانید ؟

فعالیت گروهی : نتیجه عدم اطاعت امر امیر چه بدی دارد ، در مورد درگروپ های تان بحث نموده و نتیجه بحث را نماینده گروپ به دیگران بیان دارد .

کار خانگی : از امام مسجد تان سوال نمایید که جریان یکی از غزوات دیگری را که در دول اسلام رخ داده باشد برای تان بیان دارد و شما آنرا در کتابچه های تان بنویسید .

فضیلت علم

مرد ناخوانده کجا خط دان شود	مرد ناخوانده کجا خط دان شود
آدم نادان کجا راه دان شود	تا نبرد راهرو راه از کسی
عاقبت دان ابله و نادان شود	گر کسی را ذوق و شوق علم نیست
وقت پیری عاقبت حیران شود	گر به خوردی نیست کس مایل به علم
در زئیری مفلس و دربان شود	در جوانی هر که شد مایوس علم
بی هنر محتاج یک قیران شود	تو مشو مغرور به میراث پدر
جاهلان را خانه اش ویران شود	دین و دنیا می شود حاصل ز علم
کاسبان را زین سبب ارزان شود	روزی هر کس به قدر قسمش
فرق در جهال و در ایشان شود	عالمان و کاسبان با عزت اند

فیضی را عزت بود از علم دین
این همه از فضل حق سبحان شود

« فیضی »

مفلس - غریب	} مایوس - ناامید	ابله - نادان
کاسبان - پیشه‌وران		مایل - توجه داشتن
	} زئیری - پیری، ناتوانی	

فعالیت های بعد از درس :

مشق و تکرار : شاگردان دو دو نفر در برابر هم قرار گرفته بیت بیت بخوانند
شاگرد طرف مقابل وی آنرا معنی نماید .

سوالات برای ارزیابی :

- ۱- کدام کس خط دان و با سواد نمی شود ؟
- ۲- در پیری کدام کس مفلس و درمان می شود ؟
- ۳- با عزت کدام کان اند ؟
- ۴- آن کس که ذوق علم ندارد عاقبت چه می شود ؟

فعالیت گروه پی : راجع به فضیلت علم در گروه های تان بحث نموده و
نتیجه بحث را نماینده گروه به دیگران بیان دارد .

کار خانگی : شعرا به دقت بخوانید مفهوم آنرا به الفاظ ساده در کتابچه های
تامن بنویسید .

فعالیت های بعد از درس :

مشق و تکرار : صفت به دوگروپ تقسیم گردیده ، شاگردان گروپ اول بیت
بیت درس را قرائت نمایند و شاگردان گروپ دوم معنی نمایند و معلم با آنها در
قرائت و معنی کمک نماید .

سوالات برای ارزیابی :

۱- لایق حمد و ثنا کیست ؟

۲- هست کننده و نابود کننده مخلوقات کیست ؟

۳- خداوند از کدام صفات پاک است ؟

۴- آیا در برابر خداوند چون و چرا نمودن امکان دارد ؟

۵- خداوند از لطف خود بما چه داده است ؟

فعالیت گروپی : صفت به گروپ های پنج نفری تقسیم گردیده و هرگروپ شاگردان را به
به صفات خداوند فکر کرده و بحث نمایند . نماینده گروپ خلاص بحث را به دیگران بیان دارد .
کارخانگی : هر نفر شاگرد ده صفت خداوند را پیدا کرده و در کتابچه خود بنویسد .

لغات مربوط به این درس :	معبود - پرستش شده	عطا - بخشش
حمد - ثنا و صفت خداوند .	منزه - پاک	ملمات - مرگ ، مردن
مقدم - پیش یا پیشرفته	زوال - شکست و نابودی	ربنا - ای پروردگار ما
فنا - نیست شدن ، نابود شدن	حی - زنده	اهدنا - هدایت کن ما را

از سخنان خواجہ عبداللہ انصاری

بدانکہ بہترین کار با شناختن خدای تعالی است ، اول خدا را باید شناخت کہ اول چیز با شناخت اوست .

اگر ہمہ ندهند او بدهد ، چون دہد کسی نتواند بستاند و چون ندهد کسی نتواند بدهد .

اورا نگاہ دار تا او ترا نگاہ دارد .

عمر را در پرستش او خرچ کن کہ حساب خرچ او خواهد خواست .

قرآن را پیشوایان ، نماز ، روزہ ، زکات و حج بگذار و حق را فراموش مکن ، صبور باش تا بہ مراد برسی .

در ہر کاری یاری از حق طلب .

نان ہمہ کس را مخور و نان خود را از هیچ کس دریغ مدار .

دل و جامہ را پاک کن .

خویشان و بددیشان را دل خوش دار .

بدترین عیب پر گفتن را دان .

عمر را به نادانی به آخر رسان .
از آموختن علم و پیشه عار مدار .
مگوی با کسی چیزی را که آنرا نتوانی شنید .

دریغ - منع کردن

عار - ننگ

بستاند - بگیرد

خرچ - معرف

مراد - مقصد

فعالیت های بعد از درس :

مشق و تکرار : پنج نفر شاگرد داوطلب درس را قرائت و مفهوم آنرا بیان دارد.

سوالات برای ارزیابی :

- ۱- اول کی را بشناسیم ؟
- ۲- شناخت خداوند (ه) چه فایده دارد ؟
- ۳- بدترین عیب ما چیست ؟
- ۴- عار از چه نکنیم ؟
- ۵- عمر خود را چه قسم به آخر برسانیم ؟

فعالیت گروهی : پرگفتن چرا بدترین عیب ما است ، در مورد درگروپ های تان بحث نموده و نتیجه بحث را نماینده گروپ به دیگران بیان دارد.

کار خانگی : از یکی از علمای قریه تان راجع به زندگی خواجه عبدالله انصاری پرسان نموده و جواب او را در کتابچه های تان بنویسید .

اشعار برگزیده شعرای معاصر

هزاره کیت، پشتون کیت تا جگه چیت از بک چیت
اساس فرقه سازی های استعمار را بشکن

تو چون فرزند اسلامی شجاعت نیست جز تو حید
ز محراب محمد پرچم کفار را بشکن
«استاد خلیلی»

ای هبی سوگوار است نام میهن
خطا بود اگر در قلب تاریخ
شده لبریز از خون جام میهن
شهیدستان نویسم نام میهن
«ملکزاد»

ادب پیرایه ای نادان و داناست
ندام آن مسلمان زاده را دوست
خوش آن کو از ادب خود را بیاراست
که در دانش فزود و از ادب کاست
«اقبال»

بی علم ترقی نتوان داد وطن را
ای کاش که عالم شود افراد وطن را
افراد ضرور کند آباد وطن را
محکم شود از درسه بنیاد وطن را
«متقی»

فرقه - طایفه، گروه	نام - مادر	دانش - علم
پرچم - بیرق	میهن - وطن	کاست - کم کرد
سوگوار - غم زده	پیرایه - زینت دادن	بنیاد - تهداب

فعالیت های بعد از درس :
مشق و تکرار : چهار نفر شاگرد به ترتیب یک یک شعر را بخواند
در فاق پهلوش آزا معنی کند .

سوالاا برای ارزیابی :

- ۱- فرقه سازی ها کارکیا ؟
- ۲- چرا وطن خود را شهیدستان نام میگذاایم ؟
- ۳- کدام اولاد مسلمان را دوست ندارم ؟
- ۴- پایه های مملکت بواسطه چه محکم می شود ؟

فعالیا گروپی : راجع به شعراقبال در گروپ های ثان بحث نموده
و نتیجه بحث را نماینده گروپ به دیگران بیان دارد .

کارخانگی : هر شاگرد پنج بیت را پیدا کرده و آزا در کتابچه های ثان بنویسد .

حضرت محمد پیغمبر خدا

حضرت محمد پیغمبر و فرستاده الله است مابندگان خدا
و پیروان پیغمبر او هستیم .

حضرت محمد پسر عبدالله بود ، مادرش بی بی آمنه نام
داشت . حضرت محمد به روز دوشنبه دوازدهم ربیع الاول سال
۵۷۰ (یا ۵۷۱) میلادی در شهر مکه معظمه به دنیا آمد . پدر آنحضرت
قبل از تولدش وفات یافته بود . آن طفل یتیم را مطابق رسوم
اهل مکه به دایه سپردند و حضرت محمد چهار سال اول زندگانی
خود را در شهر طایف در قبیله بنی سعد تحت تربیه بی بی حلیمه
دایه خود سپری نمود . هنوز بیش از شش سال از عمر مبارک
او نگذشته بود که مادرش نیز وفات شد .

درین وقت عبدالمطلب پدرکلاش سرپرستی نواسه خود را به
دوش گرفت و همیشه او را با خود نگه میداشت و از هیچ نوع
لطف و مهربانی در حصه وی دریغ نمی ورزید .
زیاده از دو سال نگذشته بود که حضرت محمد از سایه

پر لطف و مرحمت پدر کلان بی نصیب گردیده و پدر کلانش نیز وفات نمود و قرار وصیت عبدالمطلب سرپرستی حضرت محمد را کاکایش ابوطالب قبولدار گردید.

حضرت محمد از کودکی با هوش و با ادب بود با مردم به اخلاص و صداقت پیش آمدی کرد. در امانت داری مشهور بود ، مردم امانات شان را برایش می سپردند و از همین سبب در بین مردم به محمد امین شهرت داشت. حضرت محمد در خردسالی چنان رویه و اخلاق نیکو داشت که حتی اشخاص سالخورده و باتجربه از آن بی نصیب بودند .

در آن جایکه جمل خصوصیت اکثریت مردم را تشکیل میداد او همیشه راستگو ، صداقت کار ، امانت دار ، دوست و غمخوار مظلومین و بیچارگان بود ، پس بر ما لازم است که از پیغمبر خود پیروی نموده و از همین حالا صفاتی را که او در خردسالی داشت به خود اختیار نماییم و خود را امین جامعه خود بسازیم .

وصیت - سفارش
سالخورده - پیر و دارای عمر زیاد .

فعالیت های بعد از درس :

مشق و تکرار : درس را معلم قسم املا به شاگردان بخواند و شاگردان آنرا بنویسند و بعد معلم نوشته های آنها را اصلاح نماید .

سوالات برای ارزیابی :

۱- حضرت محمد چه وقت و در کجا تولد گردیده است ؟

۲- عبدالمطلب کیست و بای پیغمبر چه کرد ؟

۳- حضرت محمد چه رویه و کردار داشت ؟

۴- حضرت محمد را چرا امین می گفتند ؟

فعالیت گروهی : راجع به اخلاق پیغمبر در گروه های تان بحث نموده و نتیجه بحث را نماینده گروه به دیگران بیان دارد .

کار خانگی : حضرت محمد با بزرگان چگونه رویه میکرد ، درین مورد از یکی از علمای قریه تان سوال نموده و جواب او را در کتابچه های تان بنویسید .

حکایت

مردی چشم درد بود خواست چشمانش را درمان کند، نزد
بیطار رفت. بیطار آنچه در چشم چار پایان میکرد در چشم او
کشید آن مرد کور شد.

مرد کور شکایت به حاکم کرد، حاکم به وی گفت برو هیچ تاوان
نیست زیرا اگر تو ضرر نبودی نزد بیطار نمی رفتی.

نهد هوشمند روشن رای	به فرومایه کارهای خطیر
بوریا باف اگر چه با فنده است	بزنندش به کارگاه حریر

فرومایه - ناکس، نادان

خطیر - بزرگ

کارگاه - کارخانه

حریر - ابریشم

درمان - تداوی

بیطار - داکتر چهار پایان

هوشمند - هوشید

روشن رای - روشن فکر

فعالیت های بعد از درس :

مشق و تکرار : پنج نفر شاگرد درس را قرائت نمایند و در اخیر دو نفر شاگرد
و او طلب آنرا معنی کنند و معلم در عین حال با آنها کمک نماید .

سوالات برای ارزیابی :

۱- مردیکه چشم درد بود نزد کی رفت ؟

۲- بیطار برای او چه داد ؟

۳- چرا چشم او کور شد ؟

۴- حاکم چه فیصله نمود ؟

۵- کار را باید به کی بسپاریم ؟

فعالیت گروهی : راجع به دو بیت اخیر درس درگروپ های تان بحث
منوده و نتیجه بحث را نماینده گروپ به دیگران بیان دارد .

کارخانگی : این حکایت را شب در خانه به اعضای فامیل تان بیان
دارید و راجع به نتیجه آن از آنها سوال نمایید و نتیجه گیری را در کتابچه های تان
بنویسید .

نعت

پیشوای چو مصطفی داریم	شکر حق را که پیشوا داریم
سرو و خاتم و نگین همه	مہتر و بہتر و گزین همه
او طریقت عیان کند ما را	او شریعت بیان کند ما را
تا بہ روز جزا پیانی باد	صلوات خدای بروی باد
دوستان چہار یار اوئیم	امت او و دوستان اوئیم
مرتضی دان علیہم الرضوان	چون ابوبکر و عمر و عثمان
رحمت حق نثار یارانش	
باد بر جلد دوستانش	

« عطار »

شریعت - دین و مذہب .	نعت - ستایش پیغمبر
عیان - معلوم ، واضح	پیشوا - رہبر
صلوات - درود و سلام	مہتر - بزرگتر
روز جزا - روز قیامت	گزین - پسندیدہ
نثار - قربان ، پر لاندگی ، بخشش ، پاشیدن	سرور - پیشوا ، رئیس
	خاتم - آخرین .

احساس یک مادر

شب تاریک ، خوفناک و کوچه پر از لای بود . در آخرین نقطه
کوچه دروازه رنگ رفته و شکسته ای معلوم می شد که نظر هر رهگذر
با احساس و دل شکسته را بخود جلب میکرد و این احساس را
در دل انسان بیدار می ساخت که چه انسان مظلوم و
بیچاره درین جا زندگی می کند .

من هم به همین فکر براه خود ادامه دادم تا به نزدیک این خانه
رسیدم و خیال عبور داشتم که دفعتاً آواز گریه و زاری بگوשמ
رسید و مرا از رفتن مانع شد . با دل بسیار لرزان ایستادم
و شنیدم مادری بالای جسد پسر جوان مرگ خویش ناله می
کند و می گیرد و می گوید :

وای پسر مجاهدم ، پسر مسلمان و با غیرتم ، پسر وطن دوست
و شهیدم ، افتخار بر تو که خود را فدای دین و وطن عزیزت نمودی
و مرگ با افتخار یعنی شهادت را نصیب شدی .
وای بر حال من که مرا درین دنیا تنها گذاشتی و پس از

شهادت پدرت زخم بر زخم افزودی و غم نامرادی مرا افزون
تر ساختی .

پس ازین به کی روی بیاورم و از کدام کان کمک بخوام
و باکی درد دل نمایم ، من هم زیاده ازین توانستم حوصله نمایم .
خود را شال ماتم آن مادر غم دیده ساخته داخل خانه شدم
نمی دانستم به کدام زبان و به چه الفاظ آن دل داغ دیده را دلداری
بدهم ، بالاخره هزار دل را یک دل نموده گفتم :

مادر ، مادر مهربانم ! تو میدانی فرزندی به خاطر چه جان خود را
فدا نموده است ؟ او به خاطر خدا و حفظ آبرو و عزت برادران و
خواهران خود جام شهادت را نوشیده است . تو خود را تنها ندانی
تو تنها نیستی همه اولاد وطن با تو یکجا هستند .

مادر مهربان ! مرگ در وقت معین آن حتماً رسیدنی
است ، پس مرگ با افتخار بهتر است یا زندگی ذلت بار ؟
آن روز ها نزدیک است که آرمان شهداً بر آورده

شود و لوی تو مید در فضای آزاد افغان‌تان به اهتزاز آید و
جشن پیروزی برلزار گردد.

لوا - بیرق

احساس - حس کردن

اهتزاز - حرکت، جنبیدن، تکان خوردن.

فارت‌گران - چور و چپاول‌کننده، چپاولگران.

فعالیت های بعد از درس :
مشق و تکرار : چهار نفر شگرد درس را قرائت نمایند و مفهوم آنرا
بیان دارند .

سوالات برای ارزیابی :

- ۱- حکایت کننده از کجا می گذشت ؟
- ۲- در بین کوچه صدای کی را شنید ؟
- ۳- مادر بالای سر پسر جوانمرد خود چه می گفت ؟
- ۴- رهگذر مادرش را چه قسم تسلیت داد ؟

فعالیت گروهی : راجع به وظیفه خود در برابر فاعیل شهدا در گروه های
تان بحث نموده و نتیجه بحث را نماینده گروه به دیگران بیان دارد .

کارخانگی : هر شاگرد یک حکایت مانند « احساس یک مادر » را پیدا
کرده و در کتابچه های تان بنویسد .

ای معلم

در ره حق رهنما و رهبری	ای معلم وارث پیغمبری
این امانت را خیانت بس خطاست	بار بس سنگین بردوش شماست
بوده ای الحق در روی زمین	کوکب خشنده دین بین
یرفع الله آیت حسن ادب	اصل دانش را نوازش داده رب
تا شوی اندر شمار مخلصان	مشعل دانش نروزان در جهان
فور چشم دانش آموزان تویی	گنج بخش مخزن قرآن تویی
خواستت توفیق ترا از کردگار	گفت جهید مدحت به رسم یادگار

« جهید »

شعل - چراغ	بس - بسیار
مخزن - خزان	سنگین - با وزن
دانش آموز - متعلم	کوکب - ستاره
مدحت - توصیف تو	خشنده - دشمن

فعالیت ہای بعد از درس :
 مشق و تکرار : صف بہ دو گروپ تقسیم گردیدہ یک گروپ شاگردان
 بیت بیت بخواند و گروپ دیگر معنی نماید و معلم در عین حال با آہنہ
 کمک نماید .

سوالات برای ارزیابی :

- ۱- معلم وارث کی است ؟
- ۲- معلم چہ بار سنگین را بدوش دارد ؟
- ۳- جہان بواسطہ کی روشن می شود ؟
- ۴- غرچشم شاگردان کی است ؟
- ۵- اصل دانش را کی نوازش دادہ است ؟

فعالیت ہای گروپی : شاگردان در گروپ ہای خود راجع بہ حقوق
 معلم بحث نمودہ و نتیجہ بحث را نمایندہ گروپ بہ دیگران بیان دارد .
 کارخانگی : از پدر یا بزرگ فامیل راجع بہ حقوق معلم پرسان نماید
 و جواب آنہا را در کتابچہ ہای تمان بنویسید .

رقعه مریضی

محترم سر معلم صاحب مدرسه ابو حنیفه (رحه)،
السلام وعلیکم ورحمته اللہ وبرکاته
ایجناب احمد فرید ولد احمد اللہ تعالیٰ صنف پنجم الف
نسبت مریضی کہ عاید عالم گردیده است برای خواندن درس
خویش بہ مکتب حاضر شدہ نمی توانم .
امید وارم کہ معذرت مرا قبول کردہ مریض معاملہ فرمائید .

با احترام

شاگرد شا احمد فرید

مورخہ روز ریشنبہ ۹ میزان ۱۳۷۰ هـ

فعالیت های بعد از درس :

مشق دتکرار :

معلم درس را قسم املا به شاگردان بخواند و آنها بنویسند
و بعداً نوشته چند نفر را اصلاح نماید.

سوالات برای ارزیابی :

- ۱- عنوان رقعہ به کدام کلمات شروع گردد ؟
- ۲- در نوشتن رقعہ ذکر کدام موضوعات ضروری است ؟
- ۳- آیا امضاء و تاریخ در رقعہ گنجانیدہ شود ؟

کارخانگی : هر نفر شاگرد یک رقعہ ضروری عنوان اداره مکتب بنویسد.

مطالعه

مطالعه یا خواندن عملی است که پرده های جهل و نادانی را از مقابل دیدگان انسان دور می سازد.

مطالعه است که برای انسان آگاهی می بخشد.

مطالعه معرفی همه خوبی ها است با مطالعه انسان خیر و بینا میگردد ، عالم می شود ، صاحب کمال میگردد . مطالعه برای انسان قوت و نیروی فکری میدهد .

مطالعه وسیله خوبی است برای قادر ساختن انسان در شناخت خوب و بد .

مطالعه انسان را تشویق می کند تا همیشه کار کند زحمت بکشد.

مطالعه برای همه می فهماند که چطور زندگی کند ، چه مسئولیت های

دارند و چگونه رفع مسئولیت کنند ، مسئولیت چیست ؟ و مسئول کیست ؟

انسان با به کدام راه بروند . یکی با دیگری چگونه ارتباط بگیرند

احتیاجات خود و دیگران را چطور رفع سازند ، مشکلات زندگی خود را چگونه حل نمایند .

مطالعه است که انسان را خدا شناس میگرداند.

در اثر مطالعه انسان با خود فیصله می‌کند که به خداوند (ج) عبادت نماید و بر قانون خداوندی (ج) بعهد و مطابق آن عمل کند و هر شخص دیگری که خلاف قانون خداوند (ج) کاری نماید او را نصیحت کند و از کارهای بد منع نماید.

بالاخره مطالعه باعث نیکانگهی دنیا و آخرت است از همین جهت در قرآن کریم هم بسیار تأکید گردیده که انسان باید بخواند و با خواندن و مطالعه راه بهتر را انتخاب نماید و همان راه را دنبال کند. پس وقتی که مطالعه این قدر منفعت دارد با خود همراه دارد باید همیشه کتاب‌های سودمند و مفید را بخوانیم و از آنها علم بیاموزیم و مطابق آن عمل نماییم.

مطالعه - خواندن	ارتباط - پیوستگی
خبیر - دانا	دنبال - تعقیب
قادر - توانا	سودمند - مفید، فایده‌مند
مؤثر - پرسیده شده	

فعالیت های بعد از درس :

مشق و تکرار :

صنف به دو گروه تقسیم گردیده ، یک گروه شاگردان بیت بخواند و گروه دیگر معنی کند و معلم در عین حال با آنها کمک نماید .

سوالات برای ارزیابی :

۱- حضرت محمد چه اوصاف داشت ؟

۲- حضرت محمد برای ما چه چیز را بیان کرده است ؟

۳- ما دوستدار کدام کسان هستیم ؟

۴- رحمت حق نثار کدام کسان باشد ؟

فعالیت گروهی : راجع به اوصاف حضرت محمد در گروه های تان بحث نموده

و نتیجه بحث را نماینده گروه به دیگران بیان دارد .

کار خانگی : درود شریف که در نماز می خوانید معنی آنرا از امام مسجدتان پرسیده و در کتابچه های تان بنویسید و هم آنرا حفظ نمایید .

فعالیت های بعد از درس :

مشق دتکرار : مدس را چند نفر ش گرد قرات نمایند و بعداً معلم به شاگردان موقع دهد که راجع به مفهوم آن از معلم سوال نمایند .

سوالات برای ارزیابی :

- ۱- مطالعه چه فایده دارد ؟
- ۲- از سایل زیاد بواسطه چه انسان با خبر می گردد ؟
- ۳- اگر مطالعه نکنیم چه ضرر می بینیم ؟
- ۴- در قرآن کریم در مورد خواندن چه حکم شده است ؟
- ۵- باید چه قسم کتاب ها را مطالعه نماییم ؟

فعالیت گروهی : راجع به فایده مطالعه در گروه های تان بحث نموده و نتیجه بحث را نمایند گروه به دیگران بیان دارد .

کارخانگی : آیا شما کدام وقت مطالعه نموده اید ؟ کتاب های را که مطالعه نموده اید نام آنها را در کتابچه های تان بنویسید .

عدالت حضرت عمر (رض)

شخصی از مردم مصر نزد حضرت عمر (رض) آمده شکایت کرد که :
در سابقه اسپ دوانی اسپ من بر اسپ پسر عمرو بن العاص والی
و فاتح مصر پیشی گرفت او گفت اسپ من پیش شد و من گفتم
اسپ من و به حرف خود اصرار ورزیدم . پس والی مرا با تازیانه اش
زد و گفت من اشراف زاده ام .

چون حضرت عمر (رض) این حرف را شنید بلا فاصله به عمرو بن العاص
والی مصر نوشت که با پسرش به سرگز حاضر شود .

وقتی هر دو به نزد خلیفه دوم حضور یافتند ، شکایت کننده را خواست
و تازیانه را به دستش داد . گفت : پسوالی را که خود را اشراف زاده میگوید
بزن او در حضور پدرش که والی و فاتح مصر بود ، پسرش را زد و انتقام گرفت
بعداً عمر (رض) رو به سوی عمرو بن العاص نموده گفت : از چه وقت مردم را بندگان
خود قرار داده اید . در حالیکه از ماوران شان آزاد به دنیا آمده اند .

اشراف - بزرگان

اصرار - پافشاری کردن

فاتح - فتح کننده

تازیانه - قمچین

فعالیت های بعد از درس :

مشق و تکرار : سه نفر شاگرد را و طلب درس را قرائت و سایر شاگردان را بحاج به مفهوم آن از آنها سوال نمایند و معلم در عین حال با آنها کمک نماید.

سوالات برای ارزیابی :

- ۱- عمرو بن العاص کی بود ؟
- ۲- حضرت عمر (رض) چگونه شکایت شد ؟
- ۳- حضرت عمر (رض) چرا از پسر عمرو بن العاص قصاص گرفت ؟
- ۴- حضرت عمر (رض) به عمرو بن العاص چه گفت ؟

فعالیت گروهی : ازین عمل حضرت عمر (رض) چه نتیجه گیری می نمائید در این مورد در گروه های تان بحث نموده و نتیجه بحث را نمایند؛ گروه پ به دیگران بیان دارد.

کارخانگی :- از یکی از علمای قریه و محدثان سوال نمائید که نمونه دیگری از عدالت حضرت عمر (رض) را به شما بگویند . جواب او را در کتابچه های تان بنویسید.

مار و دهقان

ماری بود در دیوار خانه دهقانی سوراخ داشت ، روزی از سوراخ بیرون آمد طفل دهقان را گزید ، طفل بیچاره از شدت درد جان داد . پدر و مادرش را سوگوار ساخت ، دهقان تصمیم گرفت تا از مار انتقام بگیرد .

روز دیگر وقتی مار از سوراخ بیرون شد تا برای خود غذا پیدا کند دهقان تبر را برداشت و بر او حمله کرد اما عوض اینکه سر مار را ببرد دم او را برید . مار به سوراخ خود خزید و جان به سلامت برد . چند وقت بعد دهقان با خود فکر کرد که مبادا مار دوباره از سوراخ بدر شده و او را هم بگذرد .

روی این فکر با مار بنای آشتی را گذاشت کمی نان و نمک را نزدیکی سوراخ را گذاشت ، مار از مشاهده این حرکت گفت ، بین من و تو صلح شده ، نمی تواند زیرا تو فرزند خود را و من دُم خود را هرگز فراموش نخواهم کرد .

تا مردم و ترا پر یاد است دوستی من و تو بر باد است

فعالیت های بعد از درس :

مشق و تکرار :

شاگردان درس را خاموشانه مطالعه نمایند بعد دو نفر داوطلب حکایت را در پیشروی صف به دیگران بیان دارد.

سوالات برای ارزیابی :

- ۱- مار در کجا زندگی داشت و چه کرد ؟
- ۲- دهقان چرا دم مار را قطع کرد ؟
- ۳- بنای آشتی را با مار کی گذاشت ؟
- ۴- مار در جواب دهقان چه گفت ؟

فعالیت گروهی : معلم درس را قسم املا به شاگردان بخواند و شاگردان بنویسند و بعد اعضای گروه نوشته یک دیگر را اصلاح نمایند.

کارخانگی : از حکایت فوق چه نتیجه گرفتید آنرا در کتبیچه های تان بنویسید.

نصایح

- کاری کنید که اگر مردم شما را ببینند خجل نباشید .
- به دوست خود هر چه می سپاری بسیار لیکن او را از راز خود محروم نگه دار .
- اگر مبرو و تحمل داشته باشید پیردزی و سعادت نصیب تان میگردد .
- بزرگترین عیب ما این است که از عیب خود آگاه نباشیم .
- اگر می خواهید که آبرو و عزت تان از بین نرود از اشخاص منافق دوری کنید .
- اگر می خواهید درستان تان زیاد گردد صاحب اخلاق نیک باشید .
- کار خوب آنست که انجام آن خوب باشد .
- از مردم ابله و نادان بگریزید .
- با کافران دوستی نکنید .
- مردم بی علم در شمار مردگان اند .

سعادت - نیک بختی

فعالیت های بعد از درس :

مشق و تکرار : چهار نفر شاگرد درس را قرائت نمایند و بعد در بین خود از یک دیگر در مورد مفهوم آن سوال نمایند و معلم آنها را نظارت نماید.

سوالات برای ارزیابی :

- ۱- بزرگترین عیب ما چیست ؟
- ۲- کار خوب کدام است ؟
- ۳- از اشخاص منافق چرا دوری کنیم ؟
- ۴- مردم بی علم در شمار کدام کان اند ؟
- ۵- سعادت چه وقت نصیب ما میگردد ؟

فعالیت گروهی : « مردم بی علم در شمار مردگان اند » درین مورد درگروپ های تان بحث نموده و نتیجه بحث را نمایندگروه گروپ به دیگران بیان دارد .

کارخانگی : از پدر و یا مادر تان خواهش نمائید که شما را نصیحت کنند ، نصایح را در کتبچه های تان بنویسید .

الفبای دری

حروف هجا که در زبان دری الفبا نامیده می شود عبارت است از :

ا ب پ ت ج چ خ د ذ ر ز ث س ش
غ ف ک گ ل م ن و ه ی

بواسطه استعمال کلمه های عربی هشت حرف دیگر به الفبای دری افزوده شده که عبارت است از : ث ح ص ض ط ظ ع ق
این حروف در کلمه های خالص و اصل دری استعمال نمی گردد مثلاً در صبر ، علم ، قلم و غیره همچو کلمات حروف خاص زبان عربی استعمال گردیده است که این کلمات در اصل از لسان دری نمی باشند .
از جمله آن حروف چهار حرف که عبارت است از : پ ، چ ، ژ ، گ
حروف خالص زبان دری است و در زبان عربی وجود ندارد مانند گزدم ، ژاله ، چهره ، پروانه و متبانی حروف در بین زبان های دری ، پشتو و عربی مشترک می باشد .

فعالیت های بعد از درس :
مشق و تکرار :

دو نفر شاگرد درس را قرائت نمایند و سه نفر شاگرد خالص مفهوم
آنرا بیان دارد .

سوالات برای ارزیابی :

- ۱- حروف خالص زبان دری کدام است ؟
- ۲- حروف خاص زبان عربی کدام است ؟
- ۳- ده کلمه خاص زبان عربی را نام بگیرید ؟
- ۴- کدام کلمات ، کلمات خالص زبان دری گفته می شود ؟

فعالیت گروهی : هر گروه پنج ، پنج کلمات خالص زبان دری را پیدا نموده و یک
نفر آنرا در روی تخته سیاه بنویسد .

کار خانگی : برای هر حرف خالص زبان دری پنج کلمه نو پیدا کرده و آنرا در
کتابچه های تان بنویسید .

نفاق

خداوند رح، مسلمانان را به اتحاد و اتفاق امر نموده است
و هر کس که در بین مسلمانان نفاق می اندازد و سبب جدائی
مسلمین میگردد، در حقیقت پیرو شیطان می باشد.

تفاق یک جامعه را فاسد می سازد زیرا هر کدام از افراد
جامعه عوض برادری با یک دیگر دشمنی می کنند و به جای اطاعت
قانون اسلام از قانون های غیر اسلامی پیروی می نمایند.
درین صورت عوض یک راه چندین راه پیدا می شود و این خود سبب
دشمنی میگردد.

مملکت عزیز ما افغانستان سرزمینی است که اکثریت
مردم آن مسلمان هستند و در هر زمان از دین مقدس اسلام
دفاع کرده اند و در مقابل تجاوزگران در یک صف قرار داشته
اند.

مگر چیزیکه سبب تکمیل جهاد و موفقیت مجاهدین میگردد فدا
و زحمت کشیدن در راه از بین بردن نفاق و چند دستگی و یکجا

علم

علم نور است که قلب و دماغ انسان را روشن می سازد
و او را از گمراهی نجات بخشیده به طرف کامیابی نزدیک می سازد.
جهل و نادانی تاریکی است که انسان را به هزاران خوف و
خطر، ذلت و خواری مبتلا می سازد.

خداوند در قرآن عظیم الشان در مورد عالم و جاهل می فرماید:
« آیا برابر اند کسانی که عالم اند و کسانی که بی علم اند » یعنی هرگز علم
و جهل، عالم و جاهل با هم مساوی و برابر نمی باشد.
زیرا عالم به آموختن علوم اسلامی و عمل بر آن نیک بختی دنیا
و آخرت را بدست می آورد ولی جاهل در هر دو جهان به دردها
و مصیبت ها گرفتار می باشد.

هیچ چیز بالاتر از علم نیست زیرا انسان به واسطه علم خود را
می شناسد و به خداوند معرفت حاصل می کند و عزت و آبرو بدست
می آورد.

صف واحد اسلامی می باشد .

نفاق - دورویی ، مکرو ریا
نهایتی - آخری
اخوت - برادری
ایجاد - پید نمودن
دفاع - وطن و ناموس را حفظ کردن و حمایت کردن .
خصومت - دشمنی

فعالیت های بعد از درس :
مشق و تکرار : معلم شاگردان گوشه گیر و کم جرئت را تشویق نماید
تا درس را قرائت نموده و مفهوم آنرا بیان دارد .

سوالات برای ارزیابی :

۱- خداوند مسلمانان را به چه امر نموده است ؟

۲- نفاق چه بدی دارد ؟

۳- صف واحد اسلامی سبب چه می شود ؟

فعالیت گروهی : راجع به بدی تفاه در گروپ های تان بحث نموده و نتیجه
بحث را نماینده گروپ به دیگران بیان دارد.

کار خانگی : از معلم علوم دینی مکتب آیتی که مسلمان را به اتحاد دعوت
نموده باشد پیرسان نموده آنرا با معنی آن در کتابچه های تان بنویسید و هم آنرا
حفظ نمایید.

نکات زرین از رسول اکرم^(ص)

- خداوند در روز قیامت با سه شخص از روی نوازش سخن نخواهد گفت و از گناه پاک شان نخواهد ساخت : پیرزنا کار ، پادشاه دروغ گوی و فقیر متکبر .
- یک ساعت مذاکره علم دین بهتر است از زنده داری شب به عبادت .
- در روز قیامت در نزد خداوند از روی قدر و منزلت بدترین مردم کسی است که از علم خود استفاده نمی کند .
- شخصیکه در سینه اش از قرآن چیزی نباشد مانند خانه ویران است .
- کسیکه همسایه از شر و اذیت او ایمن نباشد داخل جنت نمی گردد .
- مومن از شنیدن سخنان نیک تا وقت دخول در جنت سیر نمی گردد .
- در هیچ مؤمنی این دو خصلت جمع نمی شود بخل و خلق بد .
- پاکی جزایمان است .

فعالیت های بعد از درس :

مشق و تکرار : هر حدیث پیغمبر^ص را یک شاگرد قرائت نموده و مفهوم آنرا بیان دارد .

سوالات برای ارزیابی :

- ۱- خداوند^ت روز قیامت با کدام کسان سخن از روی فوازش نخواهد گفت ؟
- ۲- سینه کدام کس مانند خانه ویران است ؟
- ۳- مؤمن تا کدام وقت از شنیدن سخن های نیک سیر نمی شود ؟
- ۴- کدام شخص داخل جنت نمی گردد ؟

فعالیت گروهی : راجع به این گفته پیغمبر^ص که مؤمن تا داخل شدن به جنت از شنیدن سخنان نیک سیر نمی شود ، درگروه های تان بحث نموده و نتیجه بحث را نماینده گروه به دیگران بیان دارد .

کارخانگی : هر شاگرد دو حدیث پیغمبر^ص را پیدا نموده و آنرا با معنی در کتابچه های خود بنویسد و هم آنرا حفظ نماید .

حکایت

دو برادر بودند یکی خدمت سلطان میکرد و دیگری به سعی بازوی خود نان می خورد . باری این توانگر گفت درویش را : که چرا خدمت نکنی ؟ تا از مشقت کار کردن برهی . گفت : تو چرا کار نکنی تا از مذلت خدمت رستگاری یابی که خردمندان گفته اند : نان جو خوردن و نشستن به که کمر ازین بستن و به خدمت استادن .

عمر گرانمایه درین مرف شد	تا چه خورم صیف و چه پوشم شتاء
ای شکم خیره به نانی بساز	تا نکنی پشت به خدمت دو تا

مذلت - خواری	رستگاری - نجات یافتن
سلطان - پادشاه	خردمندان - هوشیاران
سعی - کوشش	گرانمایه - با ارزش
درویش - فقیر	صیف - تابستان
مشقت - سختی	شتاء - زمستان
	خیره - سرکش ، بی پروا

فعالیت های بعد از درس :

مشق و تکرار : پنج نفر شاگرد داوطلب درس را قرائت نمایند و بعداً شاگردان از یک دیگر راجع به مفهوم آن سوال نمایند و در آخر یک نفر شاگرد داوطلب غلص حکایت را به دیگران بگوید .

سوالات برای ارزیابی :

۱- دو برادر چه کار می کردند ؟

۲- برادر توانگر به برادر درویش چه گفت ؟

۳- برادر فقیر در جوابش چه گفت ؟

۴- مردمان هوشیار چه گفته اند ؟

۵- عمر ما در چه تیر شد ؟

۶- در آخر شاعر به نفس خود چه خطاب می کند ؟

فعالیت گروهی : شاگردان در گروه های خود راجع به بحث آن دو برادر مذاکره نمایند که کدام یک از آنها نظر خوب داشت به کدام دلیل و در آخر نماینده گروه دلایل گروه خود را در پیشروی صنف به دیگران بیان دارد .

کار خانگی : از دوستان نزدیک تان خواهش نمایید که برای تان یک حکایت بیان دارد و آنرا در کتابچه های تان بنویسید .

فکاهی

جوانی تازه از میدان جنگ برگشته بود مردم قریه از او پرسیدند که در جنگ چه کردی !

جوان جواب داد : پای یکی از دشمنان را بریدم .
پرسیدند چرا سرش را نبردیدی ؟ گفت : زیرا که سرش را دیگر
کسی بریده بود .

فکاهی - حکایت دشمنان خنده آور .

فعالیت های بعد از درس :

مشق و تکرار : درس را پنج نفر شاگرد قرائت نمایند و دو نفر شاگرد داوطلب آنرا به زبان ساده در پیشروی صف بیان دارد .

سوالات برای ارزیابی :

۱- مردم از جوان تازه از میدان جنگ برگشته چه پرسیدند ؟

۲- آن جوان چرا پاهای دشمن را بریده بود ؟

۳- چرا سر دشمن را بریده بود ؟

فعالیت گروهی : از نکاهی فوق چه نتیجه گرفتید در مورد نتیجه آن شاگردان در گروه های خود بحث نموده و نتیجه بحث را نمایندگی گروه به دیگران بیان دارد .

کار خانگی : هر نفر شاگرد یک نکاهی پیدا کرده و آنرا در کتابچه خود بنویسد و هم آنرا حفظ نماید .

حق وطن

افغانستان وطن ماست . افغانستان وطن پدران ،
پدرکلان ما ، برادران و خواهران ماست .
ما در افغانستان بار اول چشم به جهان گشوده ایم و در
صحن آن پا گذاشته ایم ، از آب و هوای آن استفاده کرده
ایم . در ناز و نعمت آن پرورش یافته ایم .
وطن مانند آغوش مادر مهربان است که همه ما را دوست داشته
و تمام نعمت های خود را نثار ما کرده است . آغوش وطن آنقدر
پر محبت است که در دنیا نظیر ندارد .

پس وطن بالای ما حق دارد نباید حقوق وطن خود را فراموش
کنیم باید از دین مقدس اسلام و وطن عزیز خود دفاع نمایم ،
دشمنان آنرا نابود بسازیم و در راه سربلندی و آزادی وطن
و حفظ آبرو و عزت هموطنان مسلمان خود جهاد نماییم و
در مقابل دشمنان اسلام و وطن سرتسلیمی را فرود نیاوریم .

شاگردان عزیز : در تحصیل علم و دانش زیاد کوشش نمایید
و خود را به سلاح علم مجهز نمایید و با سلاح علم در راه ترقی
و آبادی و دفاع وطن مبارزه و جهاد نمایید تا وطن تان
آزاد و آباد بوده و خود تان نیز سر بلند و کامیاب باشید .

پس اولتر از همه باید علم دین را بیا موزیم و بر آن عمل کنیم و
بعد آنچه مربوط به تخنیک و صنعت است کسب نماییم زیرا در زندگی
به علم تخنیک و ساینس نیز ضرورت داریم .

برای اینکه در زندگی احتیاج بیگانگان نباشیم و دست ما
به سوی کفار دراز نباشد باید خود را به سلاح علم مجهز نموده و
در راه دفاع از عقیده و ایمان ، قطع و دفع توطئه ها و دسائیس
دشمنان مبارزه و جهاد نماییم و از طریق علم و سایل آسودگی
مسلمانان را تهیه نماییم تا سر بلند و سرفراز زندگی کنیم .

توطئه - آماده کردن ، زمینه سازی .

دسائیس - مکر و حیل

سرفراز - کامیاب و سر بلند .

ذلت - خواری

جهل - نادانی

سلاح - آلات جنگ

مجهز - آماده

فعالیت های بعد از درس :

مشق و تکرار : پنج نفر شاگرد درس را قرائت نمایند و سایر شاگردان راجع به مفهوم آن از آن پنج نفر سوال نمایند.

سوالات برای ارزیابی :

- ۱- وطن کدام جای را می گویند ؟
- ۲- از کدام چیزهای وطن استفاده نموده ایم ؟
- ۳- وطن بالای ما چه حق دارد ؟
- ۴- حقوق وطن چه قسم اداء شده میتواند ؟

فعالیت گروهی : چرا وطن تان را دوست دارید ، در مورد درگروپ های تان بحث نموده نماینده گروپ نتیجه بحث را به دیگران بیان دارد.

کارخانگی : راجع به آب و هوا و میوه جات منطقه تان در افغانستان هر چه میدانید بنویسید .

حکایت

تاجری طوطی زیبا و سخنگوی داشت ، روزی خواست به هندوستان برود هر یک از اعضای فامیل خواستند تا تحفه ها را برای شان با خود بیاورد .

تاجر به طوطی گفت : ای مرغ خوش صدا برای تو چه تحفه بیاورم . طوطی که مدت ها در قفس مانده و نملکین بود گفت : من از تو هیچ تحفه نمی خواهم ولی خواهش من این است که وقتی به هندوستان رسیدی در جنگلهای سرسبز طوطیان آزاد را در پرواز دیدی سلام مرا به آنها برسانی و بگویی : « این شرط دوستی و هم جنسی نیست که شما از آزادی برخوردار باشید و به میل خود به هر طرف پرواز نمایید و من در قفس زندانی باشم آخر از من دور افتاده و در قفس مانده یادی نکنید و چاره ای برای آزادی من بنجید » .

تاجر قبول کرد که پیام او را برساند و جواب باز آورد وقتی به هندوستان رسید در حین گذر از جنگل نظرش

لرزید و از شاخ به زمین افتاد. من از گفته خود پشیمان شدم
ولی پشیمانی سود نداشت و آن طوطی نازک دل از غصه هلاک
شد.

همینکه سخن تاجر به پایان رسید طوطی در قفس به خود لرزید
و مانند مردگان افتاد و دم فرو کشید. تاجر از دیدن این
حالت فریاد برآورد ولی طوطی مرده بود و باناله و فریاد تاجر
زنده نمی شد. تاجر ناچار در قفس را باز کرد و طوطی را
بیرون انداخت. طوطی به شتاب پرواز کرد و بر شاخ درخت
نشست. دهن تاجر از تعجب باز مانده بود و نمی دانست
چه بگوید. طوطی رو به تاجر کرد و گفت از تو بسیار تشکر می کنم که بهترین
تحفه برای من آوردی. این تحفه آزادی بود و آن طوطی با عمل
خود به من یاد داد که چگونه خود را آزاد سازم.

ناله - زاری و فریاد

تحفه - بخشش، سوغات

تعجب - حیران شدن

پیام - خبر

تاجر - تجارت کننده

لرزید و از شاخ به زمین افتاد. من از گفته خود پشیمان شدم
ولی پشیمانی سود نداشت و آن طوطی نازک دل از غصه هلاک
شد.

همینکه سخن تاجر به پایان رسید طوطی در قفس به خود لرزید
و مانند مردگان افتاد و دم فرو کشید. تاجر از دیدن این
حالت فریاد برآورد ولی طوطی مرده بود و باناله و فریاد تاجر
زنده نمی شد. تاجر ناچار در قفس را باز کرد و طوطی را
بیرون انداخت. طوطی به شتاب پرواز کرد و بر شاخ درخت
نشست. دهن تاجر از تعجب باز مانده بود و نمی دانست
چه بگوید. طوطی رو به تاجر کرد و گفت از تو بسیار متشکرم که بهترین
تحفه برای من آوردی. این تحفه آزادی بود و آن طوطی با عمل
خود به من یاد داد که چگونه خود را آزاد سازم.

تحفه - بخشش، سوغات	نالہ - زاری و فریاد
پیام - خبر	تعجب - حیران شدن
تاجر - تجارت کننده	

فعالیت های بعد از درس :

مشق و تکرار :

پنج نفر شاگرد درس را قرائت نمایند و دو نفر شاگرد

دو طلب خلص حکایت را در پیشروی صفت بیان دارد.

سوالات برای ارزیابی :

- ۱- تاجر به طوطی چه گفت ؟
- ۲- زمانیکه تاجر پیغام طوطی را به طوطیان رسانید ، طوطی چه کرد ؟
- ۳- طوطی مجوس چه قسم خود را نجات داد ؟
- ۴- طوطی به صاحب خود چه گفت ؟

کار خانگی : از حکایت فوق چه نتیجه گرفتید آنرا در کتابچه های تان بنویسید.

صدای مجاهد

من شیر بچه افغان، فرزند مسلمانم
 این خطه شیران و این خاک دیران
 راه حتم قایم من بنده یزدانم
 سازنده تاریخ است شاکر نیا کام
 حامی من است الله در حالت امن و شتر
 از مرگ نمی ترسم من پیرو قرآنم
 دایم ز خدا خواهم پیروزی براه حق
 یا جام شهادت را نوشیده دهم جانم
 تسلیم بغیر حق نبود هدفم هرگز
 اسلام و وطن باشد دائم همه ارامم

طالع تو بگفتار است خود بیش عمل بنا
 تو پیش بنه گامت من نیز قدم مانم

خط - سرزمین

نیاکان - پد کلا نها

یزدان - خداوند

جاوید - همیشه

فعالیت های بعد از درس :

مشق و تکرار : صف به دوگروپ تقسیم گردیده بیت ، بیت یک گروپ
شاگردان بخواند و گروپ دیگر معنی نماید .

سوالات برای ارزیابی :

۱- مجاهد چه قسم خود را توصیف می نماید ؟

۲- افغانستان سرزمین کینست ؟

۳- آران مجاهد چیست ؟

۴- مسلمان واقعی پیرو چه می باشد ؟

فعالیت گروپی : درگروپ های تان راجع به صفات مجاهد بحث نموده و نتیجه بحث
را نماینده گروپ به دیگران بیان دارد .

کارخانگی : شعرا به دقت بخوانید مفهوم آنرا به الفاظ ساده در کتابچه های
تان بنویسید .

فکاهی

روزی شتر و روباه همراه بودند . در بین راه کنار دریا
رسیدند . روباه رو به شتر کرد و گفت در آبی و بین که آب
تا چه اندازه است .
شتر در آب درآمد گفت : بیا آب از شکم بالا نیست .
روباه گفت بلی : اما شکم تا شکم تفاوت است .

تفاوت - فرق

فعالیت های بعد از درس :

مشق و تکرار : پنج نفر شاگرد درس را قرائت نمایند و در آخر دو نفر شاگرد داوطلب فکاهی را در پیشروی صف بیان دارد .

سوالات برای ارزیابی :

۱- شتر و روباه به کجا رسیدند ؟

۲- روباه به شتر چه گفت ؟

۳- شتر در جواب روباه چه گفت ؟

۴- از شکم تا شکم تفاوت است چه معنی دارد ؟

فعالیت گروهی : از فکاهی فوق چه نتیجه گرفتید در مورد درگروپ های تان بحث نموده و نتیجه بحث را نماینده گروپ به دیگران بیان دارد .

کار خانگی : موثر شاگرد یک فکاهی پیدا نموده در کتابچه های تان بنویسید و هم آنرا حفظ نموده روز آینده در پیشروی صف بیان دارید .

مگس

مگس از جمله حشرات مضره میباشد . مگس علاوه بر فرجامت باعث انتشار امراض زیاد میگردد . مگس در درز های مواد فاضله و یا مواد غذایی فاسد شده تخم گذاری می کند و روز به روز تعداد آنها زیاد میگردد .

بدن مگس بواسطه داشتن مو های خورد باعث انتقال میکروب ها میگردد و امراض مهلک مانند مخرقه ، وبا ، اسهال کولرا ، توبرکلوز ، فلج اطفال و غیره را سبب میگردد .

مکروب مریضی های فوق در مواد فاضله موجود میباشد و قتی که مگس بالای آن نشست میکروب مذکور را بواسطه مو های بدن خود میگیرد و آنرا به مواد غذایی انسان مانند آب ، سبزیجات میوه ، نان و غیره چیز ها انتقال میدهد . زمانیکه غذا های مذکور خورده شود ، انسان به امراض فوق الذکر مبتلا میگردد .

طریقه مهمی در جلوگیری از امراض مذکور توجه به پاکی محیط و

فعالیت های بعد از درس :
مشق و تکرار : درس را پنج نفر شاگرد بخواند و سایر شاگردان راجع
به مفهوم آن از آنها سوال نمایند و معلم با آنها کمک نماید.

سوالات برای ارزیابی :

- ۱- علم مانند چیست ؟
- ۲- جهل چرا تاریکی است ؟
- ۳- در قرآن کریم راجع به مرتبه عالم و جاهل چه گفته شده است ؟
- ۴- برای اینکه از احتیاج بیگانگان خلاص شویم چه کنیم ؟
- ۵- کسب کردن کدام علم بالای ما فرض است ؟

فعالیت گروهی : راجع به فضیلت علم در گروه های شان بحث نموده و
نماینده گروه نتیجه بحث را در پیشروی صنف بیان دارد.

کار خانگی : به نظر شما عالم از جاهل چه برتری دارد، خوبی های عالم را در
کتابچه های شان بنویسید.

از بین بردن مواد فاصله می باشد که در آن گمس با تخم گذاری
می کنند و پرورش می یابند و هم چنان مواد غذایی را از گمس
با محفوظ نگه داشتن ، نصب کردن جالی در ملکین با دروازه با
و استعمال بعضی مواد کیمیاوی (پودر با) نیز مفید می باشد.

فعالیت های بعد از درس :

مشق و تکرار : پنج نفر شاگرد درس را قرائت نمایند و راجع به مفهوم آن از همدیگر سوال نمایند .

سوالات برای ارزیابی :

- ۱- مگس چه قسم حشره است ؟
- ۲- مگس چگونه باعث انتقال امراض میگردد ؟
- ۳- مگس کدام امراض را نقل داده می تواند ؟
- ۴- برای جلوگیری از امراض کدام تدابیر را گرفته میتوانیم ؟

فعالیت گروهی : به نظر شما غیر از تدابیر فوق برای جلوگیری از امراض چه تدابیر را لازم میدانید ، درین مورد درگروپ های تان بحث نموده و نتیجه بحث را نماینده گروپ به دیگران بیان دارد .

کارخانگی : درمورد ضرر مگس هرچه میدانید در کتابچه های تان بنویسید .

آداب سخن گفتن

حکما، گفته اند که هرگز کسی به جہل خود اقرار نکرده است
مگر آنکس که چون دیگری در سخن باشد همچنان تمام ناکفته
سخن آغاز کند.

سخن را سر است ای خردمند و بن
میاور سخن در میان سخن
خداوند تدبیر و فرهنگ و هوش
نگوید سخن تا بنیند خمش

خداوند - صاحب
فرهنگ - علم و دانش

حکماء - جمع حکیم، دانا
بن - بیخ و بنیاد

فعالیت های بعد از درس :

مشق و تکرار : پنج نفر شاگرد درس را قرائت نمایند و سایر شاگردان در اخیر راجع به معنی و مفهوم آن از آن پنج نفر سوال نمایند و معلم در قرائت و بیان معنی و مفهوم با آنها کمک نماید .

سوالات برای ارزیابی :

- ۱- آیا کسی به جهل خود اقرار می نماید ؟
- ۲- کدام کس به جهل خود اقرار می نماید ؟
- ۳- سخن چه دارد ؟
- ۴- شخص هوشیار و دانا کدام وقت سخن می زند ؟

فعالیت گروهی : راجع به آداب سخن زدن شاگردان در گروه های منفی خود بحث نموده و نماینده گروه نتیجه بحث را در پیشروی صنف بیان دارد .

کارخانگی : راجع به آداب سخن گفتن از بزرگ فایمل تان سوال نمایید و جواب آنها را در کتابچه های تان بنویسید .

دروغ

دروغ در دین مقدس اسلام منع قرار داده شده است و هر که
برای فریب مردم دروغ بگوید اعتبار خود را از دست میدهد.
شخص دروغ گو حیثیت و آبروی خود را نیز از دست میدهد
و سبب فتنه و فساد در بین مردم میگردد و همه مسلمانان او
را به نظر حقارت می بینند.

یکی از صفات بزرگ منافقین آنست که دروغ می گویند .
کسی را که ناراستی گشت کار کجا روز محشر شود رستگار
کسی را که گردد زبان گرد دروغ چراغ دلش را نباشد فروغ
دروغ آدمی را کند شرمسار دروغ آدمی را کند بی وقار
دروغ ای برادر لگو زینهار که کاذب بود خوار و بی اعتبار

زناراستی نیست کاری بهتر

از او گم شود نام نیک ای پسر

مقدس - پاک	{	حقارت - پستی و خواری	{	فروغ - روشنی
نفع - فایده		محشر - روز قیامت		وقار - حیثیت و آبرو
حیثیت - آبرو		رستگار - کامیاب		زینهار - باغبر

فعالیت های بعد از درس :

مشق و تکرار : پنج نفر شاگرد به ترتیب نوبت صنفی درس را قرائت نموده و راجع به مفهوم آن از یک دیگر خود سوال نمایند .

سوالات برای ارزیابی :

- ۱- دروغ چه بدی دارد ؟
- ۲- دین مقدس اسلام در مورد دروغ چه نظر دارد ؟
- ۳- کدام عمل انسان رابی عزت و بی آبروی سازد ؟
- ۴- نام نیک بواسطه چه از بین می رود ؟

فعالیت گروهی : چرا دروغ انسان رابی وقار می سازد ؟ در مورد در گروه های تان بحث نموده و نتیجه بحث را نماینده گروه به دیگران بیان دارد .

کارخانگی : از امام مسجد سوال نمایید که نظر به کدام آیت شریف دروغ گفتن منع گردیده است آن آیت را با معنی اش در کتابچه های تان بنویسید و هم آنرا حفظ نمایید .

مکتوب به برادر مجاهد

۲۵ / ۴ / ۱۳۷۰ هـ ش

برادر عزیز و شفق محمد امین جان

السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته
اولتر از همه صحت و سلامتی شما و سایر دوستان را خداوند
تمنا دارم. خدا کند طبق آرزو مندیهایم سرخروی و کامیاب باشید.
نامه محبت آمیزتان در حین انتظار برایم رسید از اینکه صحت مند
و در امور جهاد موفق هستید بسیار خوش شدم.

برادر عزیز! همه برادران، دوستان و اهل فامیل صحت کامل
داشته و مصروف کار و بار زندگی روزمره اند. گرچه شما از
ما دور هستید ولی از اینکه علیه کفر و الحاد می جنگید و برای نجات
مظلومین و وطن از چنگال ظالمان آن زحمات را قبولدار شده
اید برای ما جای نهایت افتخار است. آرزوی هر فامیل مسلمان
از جوانان خود همین است تا نیروی جوانی خود را در راه دفاع
از دین و وطن مصرف نمایند. و خداوند را شکر گذاریم که مانند

شما جوانان بیدار ، آگاه ، مبارز و مسلمان در پیش رو داریم
که بخاطر ما زحمت ما را به راحت ترجیح میدهند .
چون دعای شما در بارگاه ایزد متعال قابل قبول می باشد
لذا خدا کند ما را از دعای خیرتان فراموش نکنید .
در خاتمه آرزو مندم که سلام های دوستانه ما را به عموم مجاهدین
و سنگرداران حق برسانید و هم هر وقت از احوال و چگونگی
وضع جهاد و برادران مجاهد در سنگر ما مطلع سازید .

والسلام
کریم برادران

فعالیت های بعد از درس :

مشق و تکرار : معلم درس را قسم املاء به شاگردان بخواند و شاگردان بنویسند و بعد معلم نوشته شاگردان را اصلاح نماید .

سوالات برای ارزیابی :

- ۱- نامه به کدام الفاظ شروع گردد ؟
- ۲- به نظر شما کدام نامه بهترین نامه است ؟
- ۳- تاریخ و امضاء در کجای نامه می باشد ؟
- ۴- آیا رنگ و کاغذ در خوبی نامه تاثیر دارد ؟
- ۵- آیا نامه کوتاه باشد و یا دراز ؟

فعالیت گروهی : هر گروه به مشوره اعضا ، گروه نامه عنوانی یکی از دوستان بنویسند و نمایند ، گروه در پیش روی صفت آنرا بخواند .

کار خانگی : هر نفر شگرد یک نامه عنوانی یکی از دوستان خود بنویسد .

امام ابو حنیفه ^(رح)

نام اصلی ابو حنیفه ^(رح) نعمان بود و پدرش ثابت نام داشت وی در سال ۸۰ هـ در شهر کوفه تولد گردیده و در سال ۱۵۰ هـ در شهر بغداد از دنیای فانی رحلت نمود. وطن اصلی امام ابو حنیفه ^(رح) افغانستان است و اجداد وی از افغانستان به کوفه رفته بودند. کوفه در آن زمان از جمله شهرهای مشهور مسلمانان بود.

امام ابو حنیفه ^(رح) از علمای مشهور آن زمان علوم مختلفه را کسب نمود و علم فقه را از استاد خویش (حماد) تحصیل نمود. زمانیکه حماد ^(رح) وفات یافت شاگردانش امام ابو حنیفه ^(رح) را به حیث امام علمای فقه در عراق تعیین نمودند.

امام ابو حنیفه ^(رح) شخص هوشیار، پرهیزگار و عالم بود و به همین سبب لقب امام اعظم را به وی داده اند. وی شخص امانت کار و سخی بود و از مال شخصی خود ضروریات علماء و شاگردان خود را پوره می نمود.

امام ابو حنیفه ^(رح) در دنیا پیروان زیاد دارد و کسانی که پیرو مذهب امام ابو حنیفه اند حنفی ها گفته می شوند.

حکایت

یکی خوب کردار و خوش خوی بود
به خوابش کسی دید چون در گذشت
دهانی به خنده چو گل باز کرد
که بر من نکردند سختی بسی
که بد سیرتان را نگو گوی بود
که باری حکایت کن از سر نو
چو بلبل به صوتی خوش آغاز کرد
که من سخت نگرفتمی بر کسی

« سعدی »

آغاز - شروع

بسی - بسیار

کردار - عمل و رفتار

بد سیرت - بد اخلاق

در گذشت - فوت کرد

صوت - آواز

فعالیت های بعد از درس :

مشق و تکرار : پنج نفر شگرد درس را قرائت نمایند و راجع به مفهوم آن از همدیگر سوال کنند .

سوالات برای ارزیابی :

- ۱- امام ابوحنیفه ^{رح} کی بود ؟
- ۲- حنفی ^{رح} کلام گروه نامیده می شود ؟
- ۳- حماد ^{رح} کیست ؟
- ۴- امام ابوحنیفه ^{رح} چه قسم اخلاق داشت ؟

فعالیت گروهی : راجع به شخصیت امام ابوحنیفه ^{رح} و پیروانش در گروپ های تان بحث نمایند و نتیجه بحث را نماینده گروپ به دیگران بیان دارد .

کارخانگی : راجع به شخصیت و پیروی از مذهب امام ابوحنیفه ^{رح} از امام مسجد تان پرساچ نموده و جواب های او را در کتابچه های تان بنویسید .

مثل

قصه یا سخن کوتاهی که در میان مردم مشهور بود و شامل پند و عبرت باشد آنرا مثل یا ضرب المثل می گویند.
هدف از آوردن مثل با متوجه ساختن شنونده بکارهای نیک می باشد. مثل با به نثر و هم به نظم (بیت) گفته شده است مثلاً

— گاو و خران بار بردار به از آدمیان مردم آزار
— چومی بینی که نابینا و چاه است اگر خاموش بنشینی گناه است

- بار کج به منزل نمی رسد .
- منزل دروغ کوتاه است .
- کور خود و بینای مردم .
- چاه کن در چاه است .
- دزد در کوه جای نمی شود .

فعالیت های بعد از درس :

مشق و تکرار : هر مثل را یک نفر شاگرد بخواند و مفهوم آنرا بیان دارد ،
در آخر یک نفر شاگرد داوطلب درس را طور مکمل بخواند و مفهوم آنرا بیان
دارد .

سوالات برای ارزیابی :

- ۱- مثل را چه می گوید ؟
- ۲- هدف از آوردن ضرب المثل ها چه است ؟
- ۳- باریک به منزل نمی رسد چه مفهوم دارد ؟
- ۴- چاه کن در چاه است چه معنی دارد ؟

فعالیت گروهی : هرگروه دو سه ضرب المثل را پیدا کرده و نماینده گروه
آنرا به دیگران بیان دارد .

کارخانگی : هر نفر شاگرد پنج ضرب المثل نو پیدا کرده و در کتابچه های خود بنویسد
و هم آنرا حفظ نماید .

نتیجہ خیانت

یکی روز ثروتمندان گوسفندان داشت و هر روز که چوپان شیر
گوسفندان را می دوشید مالک گوسفندان آب بسیار با شیر می آمیخت
و می فروخت . چوپان به مالک رَمه می گفت که خیانت مکن که عاقبت
آن خطرناک است . ولی مالک رَمه به آن التفات نمی کرد .
یکی از روزها چوپان رَمه را در دامنه کوه می چراند ناگهان آسمان
ابرآلود شد باران شروع به باریدن کرد و سیل روان شد . و همه
گوسفندان را ببرد .

چوپان گریان و نالان نزد مالک رَمه آمد .
مالک رَمه پرسید که رَمه را چه کردی ؟ چوپان جواب داد :
آن آبیکه با شیر می آمیختی با هم جمع گشت و سیل شد بیاید و گوسفندان
را برد تا عاقلان بدانند که در خیانت برکت نیست .

می آمیخت - مخلوط می کرد . التفات - توجه

عاقبت - آخر ، انجام

فعالیت های بعد از درس :

مشق و تکرار : درس را شاگردان که کم جرئت است به کمک معلم قرائت نمایند و در آخر دو نفر شاگرد داوطلب مفهوم آنرا بیان دارد.

سوالات برای ارزیابی :

۱- مالک ربه با شیرگوسفندان چه را مخلوط می کرد ؟

۲- چوپان به مالک ربه چه می گفت ؟

۳- نتیجه آن کار چه شد ؟

۴- در آخر چوپان به مالک ربه چه گفت ؟

فعالیت گروهی : راجع به بدی خیانت در گروه های تان بحث نموده و نتیجه بحث را نماینده گروه به دیگران بیان دارد.

کارخانگی : راجع به خیانت یک حکایت نو را پیدا کرده و در کتابچه های تان بنویسید.

وقت شناسی

آیا شما میدانید که وقت در زندگی چقدر اهمیت و ارزش دارد ؟ وقت بزرگترین سرمایه انسان به شمار می رود که نباید آنرا بیهوده تلف کرد .

پس برای اینکه اوقات عزیزتان ضایع نشود هر کدامتان باید یک تقسیم اوقات منظم داشته باشید تا از تلف شدن وقت جلوگیری بعمل آید . یعنی وقت درس و تعلیم ، وقت نماز و عبادت و وقت تفریح باید معلوم باشد .

یک لحظه وقت قیمتی خود را ضایع نازید . وظایفی که به شما سپرده می شود باید در وقت معین بصورت منظم انجام دهید و در آن غفلت نه نمایید و اوقات گرازنهای خود را صرف آموختن علوم اسلامی و عبادات خداوندی نمایید .

گرازنها - بیش قیمت

بیهوده - بی فایده

تلف - تباه و نیست شدن

فعالیت های بعد از درس :
مشق و تکرار :

شاگردان درس را قرائت نمایند و مفهوم آنرا بیان دارند.

سوالات برای ارزیابی :

- ۱- وقت چه ارزش دارد ؟
- ۲- برای اینکه وقت ماضی نگردد چه کنیم ؟
- ۳- وقت خود را صرف چه کنیم ؟
- ۴- وقت از نظر اسلام چه ارزش دارد ؟

فعالیت گروهی : هرگروه یک تقسیم اوقات برای کارهای روزمره خود
ترتیب نماید .

کارخانگی : هنرشاگرد یک تقسیم اوقات را برای کار یک شب و روز
خود ترتیب دهد .

اسلام

اسلام مردم جهان را دعوت می نماید که به خدای یگانه و
توانا که پیدا کننده جهان و تمام کائنات است ایمان بیاورید
و مطابق اوامر او و رهنمودهای پیغمبرش رفتار نمایید. از بدی
ظلم و اخلاق زشت و اعمال بد دوری ورزید. حیثیت و کرامت
بشری خود را حفظ نمایید. خود را در قطار حیوانات قرار ندهید.
زیرا زندگی درین دنیا خلاصه نگر دیده و دنیای دیگری یعنی جای
محاسبه و پرسیان و جزا موجود است.

راه اسلام راه درست و معقول است که خیر زندگی
دنیا و سعادت آخرت هر دو در اسلام است. زیرا اسلام
مردم را به انسانیت دعوت می کند و به انسان حیثیت، آبرو و عزت
می بخشد و از ردیف حیوانات خارج می کند و کامیابی دنیا و آخرت
را نصیب وی میگرداند.

کائنات - دنیا
موقوف - درست و صحیح
اعمال - کردار
سعادت - نیک بختی
ردیف - قطار

فعالیت های بعد از درس :
مشق و تکرار :

پنج نفر شاگرد را و طلب درس را قرائت نمایند و مفهوم
آنها بیان دارند.

سوالات برای ارزیابی :

- ۱- اسلام مردم را به چه دعوت می نماید ؟
- ۲- خداوند توانا چه چیز را پدید آورده است ؟
- ۳- اسلام برای انسان چه را نصیب میگرداند ؟

فعالیت گروهی : راجع به صفات اسلام درگروه های تان بحث نموده و نماینده گروه نتیجه بحث را به دیگران بیان دارد.

کار خانگی : درباره خوبی های دین مقدس اسلام چند سطر بنویسید.

فعالیت های بعد از درس :
مشق و تکرار : سه نفر شاگرد درس را بخواند و مفهوم آنرا بیان دارد .

سوالات برای ارزیابی :

- ۱- کسی بعد از مرگ کی را بخواب دید ؟
- ۲- از وی چه پرسید ؟
- ۳- مرده در خواب چه جواب داد ؟
- ۴- خداوند رنج چرا وی را بعد از مرگ عذاب نداد ؟

فعالیت گروهی : راجع به خوبی های اخلاق خوب در گروه های تان بحث
نموده و نمایند. گروه خلص نظریات اعضای گروه را در پیشروی صفت
بیان دارد .

کار خانگی : شعرا به دقت بخوانید و مفهوم آنرا به نثر ساده بنویسید .

فهرست

شماره	مضمون	صفحه
۱۳	از سخنان خواجہ عبداللہ ^{نہد}	۳۰
۱۴	اشعار برگزیدہ شہزادہ شہسوار	۳۳
۱۵	حضرت محمد پیغمبر ^{صلی اللہ علیہ وسلم}	۳۵
۱۶	حکایت	۳۸
۱۷	احسان یک مادر	۴۰
۱۸	ای معلم	۴۴
۱۹	رقعہ مریم	۴۶
۲۰	مطالعہ	۴۸
۲۱	عدالت حضرت عمر ^{رضی اللہ عنہ}	۵۱
۲۲	مار و دھقان	۵۳
۲۳	نصائح	۵۵
۲۴	الغیبی در	۵۷

شماره	مضمون	صفحه
۱	حمد	۱
۲	نعت	۳
۳	علم	۵
۴	حکایت	۸
۵	مادر و گرگ	۱۰
۶	مشورت	۱۲
۷	بہار و دھقان	۱۵
۸	فایده اتحاد	۱۷
۹	ای نور دیدہ	۱۹
۱۰	از سخنان بزرگان	۲۱
۱۱	غزوہ احد	۲۴
۱۲	فضیلت علم	۲۸

شماره	مضمون	صفحه
۳۸	مثل	۹۱
۳۹	نتیجه خیانت	۹۳
۴۰	وقت شناسی	۹۵
۴۱	اسلام و کمونیزم	۹۷
۴۲	دوری از صحبت جاهلان	۱۰۰
۴۳	حضرت سلمان فارسی	۱۰۲
۴۴	بلبل و باز	۱۰۴
۴۵	حکایت پسر مجاهد	۱۰۶
۴۶	چیزیکه بخود نمی پسندی به	
۴۷	دیگران روا مدار	۱۱۰
۴۷	نتیجه دروغ	۱۱۳
۴۸	مناجات	۱۱۵

شماره	مضمون	صفحه
۲۵	نفاق	۵۹
۲۶	نکات زرین از رسول اکرم	۶۲
۲۷	حکایت	۶۴
۲۸	فکاحی	۶۶
۲۹	حق وطن	۶۸
۳۰	حکایت	۷۱
۳۱	صدای مجاهد	۷۵
۳۲	فکاحی	۷۷
۳۲	گمس	۷۹
۳۴	آداب سخن گفتن	۸۲
۳۵	دروغ	۸۴
۳۶	مکتوب به برادر مجاهد	۸۶
۳۷	امام ابوحنیفه (رح)	۸۹

دولت اسلامی افغانستان

وزارت تعلیم و تربیه

ریاست تالیف و ترجمه

قرائت دری

برای صنف پنجم



قرائت درى

برای صنف پنجم

مؤلف : الحاج عبد الحفیظ (توکل)

مشاور : روزه گل (وحدتی)

خطاط : سید نذیر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

رهنما برای معلم

به منظور تدریس مؤثر معلم باید :

- ۱- با لباس پاک و منظم به صنف برود .
- ۲- پیش از رفتن به صنف پلان درسی داشته باشد .
- ۳- پلان درسی را مطابق ساعت درسی آماده سازد .
- ۴- به هنگام تدریس از روشهای گوناگون استفاده نماید .
- ۵- به وقت معین داخل صنف شود
- ۶- خود را به حیث يك همکار به شاگردان معرفی نماید .
- ۷- درس را با گفتن بسم الله الرحمن الرحيم شروع کند .
- ۸- به هنگام داخل شدن به صنف سلام بدهد .
- ۹- برای تدریس فضای مساعد را آماده سازد .
- ۱۰- حاضری شاگردان را بگیرد .
- ۱۱- کار خانگی شاگردان را دیده و اصلاح کند .
- ۱۲- با نظر داشت مقوله (كلموا الناس على قدر عقولهم)

مطابق به سویه شاگردان درس بدهد .

۱۳- به هنگام تدریس به ارزیابی شاگردان خود بپردازد .

۱۴- در میان شاگردان حسن نیت و فضای برادری را ایجاد نماید .

۱۵- شاگردان را در پروسه تدریس سهیم سازد .

۱۶- به خاطر مؤثریت تدریس شاگردان خود را بشناسد .

۱۷- در ختم درس برای شاگردان وقت و اجازه سوال نمودن را بدهد .

۱۸- به شاگردان وظیفه خانگی بدهد .

۱۹- به هنگام تدریس از مواد محیطی ارزان و ساده کار بگیرد .

۲۰- به سوالهای شاگردان چنان پاسخ بدهد که در آینده

روحیه و استعداد سوال کردن در آنها ضعیف نشود .

۲۱- به شاگردان بفهماند که پرسشها و تمرینهای این کتاب

را در کتابچه های خود نوشته و حل نمایند .